مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

پیغام رهبر ٦

نویسنده:
شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی

شناسنامهٔ کتاب

عنوان کتاب: پیغام رهبر؛ جلد: ٦؛

عنوان فرعی: پیام‌هایی از رهبر شهید؛

نام پدیدآور: رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی، رهبر جهاد و مقاومت و رئیس دولت اسلامی؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد و برگ‌آرا: عصمت‌الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۹ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

شناسهٔ افزوده: این پیام‌ها به‌صورتِ جداگانه در نشریه‌های جمعیّت اسلامی افغانستان و یا به‌صورت منشور مستقل، به نشر رسیده‌است؛

موضوع: پیام‌ها؛

شمارگان: ۳۰۰۰؛

شمار برگه‌ها: ۱۵۵؛

قطع: جیبی؛

بها: ١٤٠؛

چاپ‌خانه: بهیر؛

نشانی ما: صفحهٔ رسمی آثار رهبر شهید؛

ایمیل آدرس: sh.rabbani1390@gmail.com

حق چاپ تنها برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست مطالب

درآمد ۱۱

بخش نخست: پیام‌های عیدی

به مناسبت حلول عید سعید فطر..... ۱۷
به مناسبت عید سعید اضحی ۵۵
به مناسبت عید سعید اضحی ۶۱

بخش دوّم: پیام‌های همدردی

به مناسبت شهادت استاد خطیبی..... ۷۱
به مناسبت شهادت عبدالعزیز مراد ۷۷
عنوانی رئیس‌جمهوری کشور برادر ایران ۸۳

بخش سوّم: پیام‌های متفرقه

به مناسبت دهمین سالروز تجاوز ارتش سرخ..... ۸۹
به مناسبت پیروزی نهضت اسلامی الجزایر ۹۷
به مناسبت قیام ملّت مسلمان کشمیر..... ۱۰۳
به مناسبت تدویر پنجمین کنگرهٔ تاجیکان جهان ۱۱۱
به ارتباط جریدهٔ همبستگی..... ۱۱۵

به مجاهدین ولایت هرات..... ۱۲۱
نمایه ۱۲۹
رویکردها..... ۱۴۹

درآمد

الْحَمْدُ لِلّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّه؛ و بعد:
لطف حق را سپاسگزاریم که داریم اینک جلد ششم پیغام رهبر را خدمت شایقان اندیشه‌های استاد و محبّان دانش و معرفت تقدیم می‌داریم.

ناگفته پیداست که این مجموعه پیام‌ها از اهمیت ویژهٔ علمی و سیاسی برخوردار است. با تعمق در این پیام‌ها همان‌گونه که می‌توان به گوشه‌هایی از وضعیت سیاسی و اجتماعی زمان نگارش آن، دست‌یافت، می‌توان از خصوصیات نثر زمان این نوشته‌ها، آگاهی یافت.

این مجموعه‌ای را که اکنون در دست دارید، دربرگیرندهٔ «۱۲» پیامی‌است، از رهبر شهید W که به مناسبت‌های مختلفی آن را نگاشته است که ما آن را در سه بخش تبویب و تدوین کردیم:

۱- پیام‌های عیدی؛
۲- پیام‌های همدردی؛
۳- پیام‌های متفرقه.

به هر رو؛ کارِ ما در این اثر این است: در گام نخست؛ پس

از پیاده کردن متن نبشته، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دســـت به ویرایش می‌زنیـــم و از آن بعد در کِنـــار مُعَرّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، اســـتخراجِ احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل‌قول‌ها، ترجمهٔ آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشـــعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیمِ وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

نکته‌ای را که می‌خواهیم در اینجا با خط درشـــت تســـجیل کنیم اینکه این پیام‌ها -که اکثراً سیاسی‌اند- در تناسب با وضعیت همان روزگار و در فضای سیاسی و منافع مردم و جهاد و مقاومت مردم، نگاشته شده است؛

ازاین‌رو، نباید در حین خوانش این پیام‌ها، زمان نوشتن این پیام‌ها فراموش شود.

نکتهٔ دیگری را که نباید فراموش کـــرد، اینکه ما به این دلیل که همـــه پیام‌ها را به‌صورتِ مکمل تاکنون در اختیار نداریم؛ لذا نتوانســـتیم ترتیب زمانی را در پیام‌ها مراعـــات کنیم، ما را از این بابت معذور دارید.

درمجموع - چنانکه پیش‌ازاین گفتیم - این پیام‌ها، در سطور موجزی از یک‌ســـو مفاهیم بزرگی را بازتاب می‌دهد و از ســـوی دیگر این پیام‌ها از عمق چیرگی نویسنده بر سخن، سخن‌ها دارد.

پیش از بستن این سطور، برخود لازم می‌دانم که از هر کسی که به هرگونه‌ای، در تدوین این اثر ما را یاری کردند، سپاسگزاری کنم و خصوصاً از استادِ فاضل فضل‌الرحمن فاضل و جوان عزیز احمد نبیل قاضی‌زاده که پیام‌هایی را در اختیار ما گذاشتند و علی الأخص جا دارد که از همکارانم در مرکز تدوین، هریک خیرالله خیرخواه، دلاور نســـیمی و محمّد کامل عمران، به کمال سپاس

یاد کنم. وفقهم الله وسدد خُطاهم.

الله بــزرگ، به بانی این مرکز، محتــرم صلاح‌الدین ربانی، رئیس جمعیّت اسلامی افغانستان، پاداش نیک دهاد که بنای این کار نیک را پی‌افکندند.

در پایــان، امیدِ ما این اســت که این پیام‌هــا بتواند؛ چون گذشــته‌ها در بیدارگری و هدایتگریِ نســل امروزیِ ما - نیز مُمِّد واقع شود وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللّه بِعَزِيز.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بخش نخست

پیام‌های عیدی

۸۲

به مناسبت حلول عید سعید فطر

۲۵ رمضان المبارک ۱٤۱۰هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران مجاهد، مهاجران عزیز، هم‌میهنان گرامی!

السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ و بعد:

حلول ایـــام فرخندهٔ عید فطر را به شـــما ملّت قهرمان -چه آنانی که بعد از گذشت سالیان دراز هنوز در سنگر نشسته‌اید و چه آنانی که در بیرون از مرزهای کشور مردخیزتان در حال هجرت و آوارگی با انواع رنج و محنت به سر می‌برید، به همه‌تان- این ایام باسعادت را مبارکباد می‌گویم.

ماه رمضان برای مسلمانانِ جهان، مظهری از عنایات بزرگ پروردگار اســـت. ماه رمضان میلاد نزول سرچشـــمهٔ هدایت و نجات بشریت؛ قرآن کریم است؛ کتابی که بشریت گم‌گشته راه را در طول قـــرون و اعصار تا قیام قیامت به منبع خیر و هدایت و ساحل نجات، رهبری و هدایت می‌کند.

ماه رمضان ســـالگرد بزرگ‌ترین پیروزی‌های مسلمانان در معرکه‌هـــای بدر[1]، فتح مکه[2] و ســـایر فتوحـــات عظیم و تاریخی

۱. غزوهٔ بدر: در رمضان ســـال دوّم هجرت رخ داد باوجودآنکه تعداد مشـــرکین در این غزوه بیشـــتر از مسلمانان بود؛ امّا زیان و تاوان زیادی متوجه مشرکین شد که در پایان این غزوه به نفع مســـلمانان تمام شد و مسلمانان غنایم فراوانی را از این غزوه، به‌دست آوردند. نگاه: الســـیرة النبویة ۲۴۹/۲ و تاریخ سیاسی اسلام / ۱۱۸ - ۱۱۹. «مرکز تدوین»

۲. فتح مکه در ماه رمضان ســـال هشتم هجرت به وقوع پیوست. سببش این بود که

است.

روزهٔ ماه مبارک رمضـــان، عظیم‌ترین انقلاب روحانی علیه غرایز سرکش و طغیانگر و توجیه و رهبری آن‌ها در مسیر تقوی و طهارت است.

روزه شیپور آگاهی ضمیر و عواطف غفلت‌زده و خواب‌برده‌ای اســـت که روزه‌دار را عملاً در جریان رنج و محرومیت بینوایان و محرومان قرار می‌دهد.

روزه درس‌گاه صبر و اســـتقامت، مشـــق بردباری و تحمل سختی‌ها و مشکلات زندگی‌است.

روزه هدایتگـــر غرایز، صیقل‌کننـــدهٔ روح و وجدان، تصویر روشنی از ســـیمای مبارزان راستین و شکیبایی‌است که در دوران کشـــمکش‌های خونین درراه رســـیدن به اهداف والای خویش درگرو خواسته‌های غریزی و کشش‌های مادّی نیستند.

عید فطر که یکی از دو اعیاد بزرگ مســـلمانان است، بیانگر ســـیمای منحصربه‌فرد و ممتاز انقلاب اسلامی‌است که زیربنای تقـــوی و طهارت، در همه ابعاد عبـــادی و اجتماعی آن، صاف و روشن و یکنواخت به چشم می‌خورد؛ چه اعیاد اسلامی برخلاف جشن‌های جاهلی، عاری از آلودگی‌ها و انحرافات بوده و نمونهٔ عالی‌ای از تقوی و طهارت، صفا و صمیمیت است.

سُرور و شـــادمانی مســـلمانان در ایام عید، درواقع تعمیق

به اســـاس «پیمان صلح حُدیبیه» هر قبیلهٔ عربی می‌توانست بنا به خواهش خودش در پیمان پیامبر اکرم Y شامل گردد و یا در پیمان قریش، به همین اساس بنی بکر شـــامل در پیمان قریش شدند و قبیلهٔ خزاعه شمولیت در پیمان پیامبر اکرم را اختیار کردند و در همین ســـال قبیلهٔ بنی بکر به قبیلهٔ بنی خزاعه هجوم آورده و بیســـت تن از افراد اوشـــان را به قتل رســـاندند. زمانی که رسول الله Y از جریان خبر شدند، سخت غضبناک شد و جهت نبرد با قریش آمادگی گرفت. تعداد لشکر مسلمانان به ده هزار نفر می‌رسید و پیامبر همراه با لشکریانش پیروزمندانه وارد مکه شدند. نگاه: سیرت نبوی (درس‌ها و اندرزها) / ۹۷- ۹۹. و تاریخ سیاسی اسلام / ۱۴۳ - ۱۴۶. «مرکز تدوین»

هرچه بیشتر خصایل نیکو و استحکام پیوند برادری و وحدت در میان جامعهٔ اسلامی است.

برادران مؤمن!

عید امسال ما نسبت به سالیان دیگر تفاوت‌های بس مهمی دارد؛ این عید مصادف با موسم بهار و صبحگاه یک سلسله پیروزی‌های عمده است.

اگرچه هنوز خونین بهاران کشور ما یکسره عوض نشده؛ امّا مصادف با حلول عید و بهار امسال دیگر خصم خون‌آشام، آن دشمن دیروز نیست؛

ضربات کوبنده از داخل و خارج آن‌قدر کاری و کوبنده بوده که استخوان‌هایش نرم شده و دیگر یارای ادامهٔ حیات ننگین را ندارد.

کودتای اخیر -که صفحه‌ای دیگری از ادامهٔ کشمکش‌های همیشگی میان باندهای بدنام خلق و پرچم[1] درراه غصب قدرت است- بنای فرسودهٔ رژیم مزدوران کرملین را سخت تکان داد؛ اگرچه این پدیده برای ملّت ما که به ماهیت این چهرهٔ کثیف و رسوا آشنایی دارد، کار تازه‌ای نیست و نه هم ابتکاری که مربوط به گروه‌های خارج از فراکسیون‌های کمونیست؛ امّا اینکه بعد از حدوث این واقعه گروهی خارج از حلقهٔ باندهای کمونیست،

---

۱. خلق و پرچم: حزب چپ‌گرا و مارکسیستی‌است که دو شاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند. شاخهٔ پرچم را «ببرک کارمل» و شاخهٔ خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد. این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و نام «حزب وطن» یاد می‌شد. کودتای منحوس هفتم ثور و تجاوز وحشیانه و ددمنشانهٔ شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دونیم میلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هرگوشهٔ کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست. نگاه: کتاب «دسایس و جنایات روس در افغانستان» از دوکتور شیراحمد نصری حق‌شناس. «مرکز تدوین»

خود را به یکی از این دو جناح گره بزند و شـــریک این کشمکش داخلی جناح‌های رژیم کمونیست ســـازد، این کار مربوط به آن گروه و استعداد تحول ذهنی و عملی اوست که در هوای رسیدن به قدرت به هر خار و خسی چنگ زند.

به عقیدهٔ ما در پروسه سقوط رژیم خون‌آشام و پیروزی حق بر باطل، نمی‌سزد گروه‌های جهادی همه امیدهای خود را وابسته به کشمکش‌های داخلی فراکسیون‌های خلق و پرچم بسازند و به انتظار بنشینند که چه وقت و در کجا افراد این گروه علیه یکدیگر می‌جنگند و آنگاه کمین‌گیران منتظر، با جناح شورشـــی ائتلاف اســـتراتژیک بندند و پیمان حکومت ائتلافی و حکومت مشترک را امضا کنند.

ناگفته نباید گذاشـــت کـــه گروه‌های مجاهـــد می‌توانند از جریان برخوردهای خونین میان جناح‌های مارکسیست، با حفظ اصول و بنیادهای اعلان‌شده خودها به نفع انقلاب بهره گیرند.

آری، آن عده از افسران و کارمندان دولت که از گذشته‌های ننگین خود پشیمان شده و برای جبران جنایت‌های گذشتهٔ خویش در برابر ملّت مظلوم خود، اظهار ندامت می‌کنند و دســـت‌به‌کار تلافی‌جویانـــه می‌زنند، می‌شـــود چنین افـــراد و مجموعه‌ها را به‌عنوان برگشتگان از خط غداری و انحراف مورد عفو و بخشش قـــرار داد و مطابق به اهمیت کارنامه‌های‌شـــان از آنان پذیرایی و اســـتقبال کرد؛ امّا اینکه با ایشـــان حکومت ائتلافی تشکیل داد، دیگر چنین چیزی به طبع ملّت قهرمان ما ســـازگار نیست. البته مزاج‌های بیمار، حساب‌شان جداست.

حادثـــهٔ عظیـــم و بـــزرگ دیگری کـــه در ماه مبـــارک صیام و به اســـتقبال ایـــن عید صـــورت پذیرفت، شـــاهکار قهرمانان

حماسه‌آفرین هرات[1] باستان اســـت که به‌حق می‌توان این حادثهٔ بزرگ را از عظیم‌ترین کارنامه‌های تاریخی ســـنگرداران اسلام در ماه رمضان به‌حساب آورد.

این حماسهٔ بزرگ، از جهات سیاسی و نظامی دارای اهمیت زیاد است.

رژیم فرســـوده و بیماری که آخرین میخ بر جنازه‌اش کوبیده شده، متعاقب نجات از کودتای اخیر، مذبوحانه تلاش ورزید تا نشـــان دهد که هنوز نمرده و قادر به ادامهٔ حیات ننگین خویش تا مدّت دیگر اســـت. او سعی می‌کرد تا مدعی گردد که فریب‌ها و نیرنگ‌هایش در میان طبقات بی‌خبر کارگَر واقع‌شـــده و می‌تواند جمعی از فریب‌خوردگان را به دام آشـــتی ملی انـــدازد؛ امّا این حماسهٔ تاریخی، این طلسم مکر و نیرنگ را شکست و نشان داد که جنازهٔ رژیم به‌تندی در حال حرکت به‌ســـوی تباهی و نابودی است، دســـایس و نیرنگ‌ها، دیگر ملّت آگاه و قهرمان ما را برای همیشه فریب نمی‌دهد.

با این ضربت کاری و بر وقت، جهانیان به این باور رسیدند که داســـتان خونین رژیم غدار پایان یافته اســـت و دیگر روس‌ها هرگز قادر نخواهند شـــد تا با تردســـتی و نیرنگ، کشورها را قانع سازند که رژیم وابســـته‌اش در کابل قادر است به زندگی طبیعی خویش ادامه بدهد.

این پدیدهٔ تاریخی یک‌بار دیگر آیینه‌وار، هوشـــیاری و عمق بینش سیاســـی جهادگرانِ هراتِ قهرمان‌پرور را نشان داد. آری؛ رادمردان سنگرنشـــین هرات بـــا این کارنامهٔ عظیـــم و تاریخی

---

۱. هرات: در شـــمال‌غرب افغانســـتان موقعیت دارد و مرکز آن شـــهر هرات است. مســـاحت آن ۵۵۸۶۸،۵۳ کیلومتـــر مربـــع و جمعیـــت آن قرار احصائیهٔ ســـال ۱۳۹۱هـــ.ش، حدود ۱۶۷۶۰۰۰ هزار نفر تخمین شده‌اســـت. نـــگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۹۲- ۹۰۷. «مرکز تدوین»

خود، درحالی‌که ازیک‌طرف بزرگ‌ترین جانیان را رهسپار جهنم ساختند، ضربت جبران‌ناپذیری بر پیکر پلید سیاسی و اداری رژیم ملحد و منحوس کمونیزم در افغانستان وارد آوردند.

ما درحالی‌که حلول ایام باسعادت عید را به ملّت قهرمان خویش تبریک می‌گوییم، این پیروزی تاریخی و فتح عظیم را نیز به همه افراد ملّت خود و در پیشاپیش آنان به حماسه‌آفرینان کشور و سنگرنشینان هرات مبارکباد می‌گوییم.

امیدوارم در سال جاری هم‌زمان با این شاهکاری‌ها شاهد کارنامه‌های بزرگ نظامی و تحوّلات عمدهٔ سیاسی دیگر به نفع انقلاب شکوهمند خویش باشیم تا باشد آخرین لانه‌های رژیم رسوا، سقوط کرده و دولت عدل الهی در کشور باستانی ما مستقر گردد.

هم‌وطنان عزیز!

عید امسال را در حالی استقبال می‌کنیم که به دنبال شکست نظامی یغماگران روسی، تحوّلات عظیمی در جهان پدید آمد، این تغییرات بزرگ جهانی، افق‌هایی از آرزومندی و امید را در برابر دیدگان حیرت‌زده و مأیوس امّت اسلامی و ملّت‌های محکوم جهان قرار داده است. جهان ما در ماه‌های اخیر سالی که گذشت؛ ماه‌های قبل از حلول ماه پربار و برکت رمضان المبارک، شاهد انفجارهای بزرگ و سقوط سرتاسری بخش عظیمی از جهان کمونیزم بودیم که دنبالهٔ این انفجارات و فروریختن‌ها ادامه دارد.

آری، به برکت جِهاد پیکارگران مؤمن در افغانستان -که در مکتب صیام درس تقوی و طهارت و شکیبایی و استقامت را فراگرفته بودند- طلسم اردوی سرخ درهم شکست و به دنبال آن

ایدئولوژی کمونیزم[1] چون جال عنکبوت در سراسر جهان از هم پاشید.

تغییرات جهانی که مصادف به شکست روس در افغانستان رخ داد، برای همه جهانیان حیرت‌انگیز و تعجب‌آور بود. روس‌ها با حمله به افغانستان، می‌خواستند تغییری در سرحدات جغرافیایی جهان اسلام و عده‌ای از کشورها به وجود آورند و برای نابودی و محو اسلام ارادهٔ ناپاکی در سر داشتند؛ غافل از اینکه به‌جای اینکه به اسلام و مسلمانان آسیبی برسد، کمونیزم رهسپار دیار نابودی شد؛ امپراتوری روسیه در اروپایی شرقی[2] فروریخت، سردمداران فرعون‌منش کمونیستِ این کشورها، یا به دست ملّت‌های‌شان نابود گردیدند و یا اینکه با احزاب و باندهای کمونیست‌ها -که سال‌ها بر مقدرات این ملّت‌ها

---

۱. کمونیزم یا کمونیسم: این اصطلاح از ریشهٔ لاتینی «کمونیس» به‌معنای اشتراکی گرفته شده‌است. اصطلاح کومون یا جامعهٔ اشتراکی نخستین‌بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹ م، به‌کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه‌است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آورِ اجتماعی محبوس می‌کند. همچنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش، از دریچهٔ چشم اقتصاد نگریسته، «مالکیّت اشتراکی» را نخستین پایهٔ مستحکم نظام خود قرار داده، آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به‌معنای تباهی گوهر انسانیّت، اغفال و اغراء انسان از توجّه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال‌کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز- به‌معنای تَنَزُلِ ارزش خون و آبروی آدمیّت است. نگاه: دانشنامهٔ سیاسی/ ۲۶۱ - ۲۶۳ و مقالهٔ «ارزش خون در کمونیزم و اسلام»، محمّدکاظم شارقی، میثاق خون / ۴۴، شمارهٔ سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ.ش. «مرکز تدوین»

۲. اروپای شرقی: به گروه کشورهایی گفته می‌شود که عضو پیمان ورشو و کومکون بودند (لهستان، آلمان شرقی، چکسلواکی، یوگسلاوی، مجارستان، بلغارستان و رومانی) همراه با کشورهای کمونیست، ولی غیرمتعهد یعنی یوگسلاوی سابق و آلبانی، پیش از فروپاشی نظام دوقطبی، اتحاد شوروی نیز در زمرهٔ «اروپای شرقی» به شمار می‌آمد. نگاه: سازمان‌های بین‌المللی و نظریه‌های روابط بین‌الملل، دکتور غلامرضا صراف یزدی و محسن صبری/۲٤٦. «مرکز تدوین»

حکمرانی داشتند- از اورنگ قدرت رانده شدند.

اکنون کمونیزم به‌عنوان یک ایدئولوژی ضد انسانی و احزاب کمونیستی به حیث منفورترین احزاب در این کشورها شناخته شده است. ملّت‌هایی که سالیان درازی نسیم آزادی به مشام‌شان نمی‌رسید، با الهام از جهادگران قهرمان افغانستان، دلیرانه قیام کرده و زنجیر غلامی کمونیزم و تسلط ناروای روسیه را درهم شکسته و برای همیشه به این وضع رقّت‌بار و جگرسوز خاتمه دادند.

برادران مؤمن!

پیامدهای پربار و برکت جهاد اسلامی شما در محدودهٔ تحوّلات عظیم در اروپای شرقی منحصر نماند؛ بلکه در ماورای دیوار آهنین در کشور شرها و شوری‌ها، در شکنجه‌گاه انسان‌های آزاد در روسیهٔ شوروی، در میان جمهوریت‌های مختلف آن (جمهوریت‌های مسیحی‌نشین و مسلمان‌نشین) قیام‌های زنجیرشکن و جهش‌های آزادی‌خواهانه پدیدار گشت و موّاج و توفانی به حرکت افتاد.

در اینجا ناگفته نگذاریم: عکس‌العمل مدعیان بازسازی و نوآوری در روسیه و زمامداران مدعی آزادی و حقوق انسانی، در جهان غرب در برابر تحوّلات داخلی روسیه یکسان نبود؛ آنجا که در جمهوریت‌های اسلامی آذربایجان[1] و تاجیکستان[2]

۱. آذربایجان: کشوری‌است که در آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۸۶۶۰۰ کیلومترمربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۹۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. پایتخت آن شهر باکو، واحد پول آن منات جدید آذربایجان و زبان رسمی آن ترکی آذربایجانی‌است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی/ ۹۶. «مرکز تدوین»

۲. تاجیکستان: کشوری‌است که در آسیای میانه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۷۰۷۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن فارسی، واحد پول آن سامانی و پایتخت آن شهر دوشنبه است، بیش از ۹۰ فی صد مردم آن مسلمان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص:۱۰۱. «مرکز تدوین»

قیام آزادی‌خواهی آغاز می‌گردد، گورباچف که با دهل و سرنای مطبوعات غرب به‌عنوان چهرهٔ صلح‌خواه، مبتکر پروستریکا[1] شهرت داده شده است، در برابر تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم مظلوم آذربایجان و تاجیکستان نقاب دروغین صلح‌خواهی و نوآوری به دور انداخته لباس آدمکشی نظامی را -که عبای طبیعی مارکسیست‌های جهان است- به بر کرده فرمان می‌دهد تا تانک‌های غول‌پیکر، کودکان و زنان آذری را -که امید تغییرات در کشور شوری‌ها[2] راه‌پیمایی کرده‌اند- با بی‌رحمی نقشِ بر زمین سازد.

در غرب مسیحی، آنجا که با تزویر و ریا دم از صلح و آزادی و حقوق انسانی زده می‌شود، به‌جای آنکه این عمل وحشیانه محکوم گردد، کاهنان و کشیش‌های سیاست‌مدار از حاشیه‌های اناجیل و کتب عهد جدید و قدیم، فتوای مشروعیت این وحشت گورباچف را صادر می‌کنند و برای این جنایت دلیل و مجوز می‌تراشند؛ ولی همین‌که عین این عمل؛ امّا در شکل خشونت‌بار و پیشرفتهٔ آن، یعنی به‌صورت یک حرکت تند و استقلال‌طلبانه و جدا از پیکر مسکو به وقوع می‌پیوندد، نه‌تنها اینکه تانک‌ها به حرکت نمی‌افتند و گورباچف، با احساسِ این خطر جدی که تمامیت ارضی روسیه را تهدید می‌کند، چهرهٔ نرم و آرام به خود گرفته و در برابر اعلان مردم لیتوانی[3] که از جمهوریت بالتیک و

۱. پروستریکا: اصطلاح روسی است که به یک سری از اصلاحات اقتصادی که در جون ۱۹۸۷ م، توسط رهبر وقت شوروی، میخائیل گورباچف معرفی شده اطلاق می‌شود. گورباچف کتابی نیز به این نام دارد. این واژه در لغت به معنای «بازسازی» است و منظور از آن اصلاحات اقتصادی برای بازسازی اقتصاد شوروی بود. نگاه: خطر مشارکة المرأة للرجل فی میدان عمله، ص: ۳۴. «مرکز تدوین»

۲. کلمهٔ شوری‌ها چه شوراها منظور باشد و چه شُورِی‌ها، کاربرد طنزی دارد. «مرکز تدوین»

۳. لیتوانی: کشوری است در شمال شرقی اروپا که از شمال به لتونی، از مشرق و جنوب شرقی به بلاروس، از جنوب به لهستان، از جنوب غربی به روسیه و از مغرب

مسیحی‌نشـــین روسیه است، به‌عوض تهدید، با چهرهٔ پر تبسم به آن جمهوریت رفته و تجزیه‌طلبـــان را در آغوش می‌گیرد و وعده می‌دهد که برای حل مشکل این جمهوریت چارهٔ مناسب، اتخاذ خواهـــد کرد؛ درحالی‌کـــه زعمای آذربایجان هفته‌هـــا به انتظار ملاقات گورباچف می‌نشـــینند تا مشکلات جمهوریت خویش را به سمع او برســـانند، از مسکو رانده شده و با شلیک توپ‌ها و حملهٔ تانک‌ها جواب داده می‌شوند!

بلی، گناه‌شـــان این است که این‌ها مســـلمان‌اند و ساکنان لیتوانی مسیحی.

و زمانی کـــه گورباچـــف[1] از بیم حدوث وقایع مشـــابه در

به دریای بالتیک محدود می‌شود. جمهوری لیتوانی بزرگ‌ترین و جنوبی‌ترین کشور در میان سه جمهوری حوزه بالتیک در اروپاست.

جمعیت لیتوانی ۳/۲ میلیون نفر و پایتخت و بزرگ‌ترین شـــهر آن ویلنیوس است. واحد پول این کشور لیتاس اســـت که در ابتدای ۲۰۱۵ میلادی به یورو تغییر کرد. زبان رسمی آن لیتوانیایی است. زبان‌های لهستانی و روسی نیز در این کشور رواج دارد. بیشـــتر مردم لیتوانی مسیحی‌اند و ۷۹ درصد به کلیسای کاتولیک رومی تعلق دارند.

لیتوانی پس از جنگ جهانی اول مســـتقل شـــد؛ اما بعداً نخست توسط شوروی و ســـپس توسط آلمان اشغال شـــد. با نزدیک شـــدن جنگ جهانی دوم به پایان خود آلمانی‌ها عقب‌نشینی کرده و اتحاد شوروی مجدداً لیتوانی را اشغال کرد.

در ۱۱ مارس ســـال ۱۹۹۰، یک ســـال پیش از فروپاشـــی اتحاد جماهیر شوروی، لیتوانی نخستین جمهوری شوروی بود که اعلام استقلال کرد. پیش از بحران مالی جهانی که از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ به درازا کشـــید، لیتوانی یکی از سریع‌ترین رشدهای اقتصادی در اتحادیه اروپا را دارا بود. امروزه در فهرســـت شـــاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد، کشـــور لیتوانی در رده «توسعه بسیار بالای انسانی» قرار دارد. لیتوانی از اعضای سازمان ناتو، شورای اروپا و اتحادیه اروپاست.

کشور لیتوانی در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷ به عضویت کامل پیمان شنگن درآمد و در سال ۲۰۰۹، ویلنیوس به فراخور هزاره نام‌گذاری‌اش، به عنوان پایتخت فرهنگی اروپا در آن سال شناخته شد. مرکز جغرافیایی اروپا نزدیک ویلنیوس است.

http://www.egc.lt «مرکز تدوین»

۱. میخائیل ســـرگئه‌ویچ گورباچف: در ۲ مارچ ۱۹۳۱ م، در روستای پریولنویه در نزدیکی استاوروپول شـــوروی به دنیا آمد. او آخرین رهبر اتحاد شوروی‌است و در روســـیه از محبوبیت کمی به دلیل نقش وی در فروپاشـــی اتحاد شـــوروی سابق و

جمهوریت‌های دیگر شوروی که نشـــود با ادعای استقلال‌شان شبیه کشـــورهای بالتیک، روســـیه را به تجزیهٔ سرتاسری روبه‌رو سازند، چند عراده تانک عازم لیتوانی می‌گردد، بی‌آنکه دست به عمـــل نظامی بزنند، فقط در خیابان‌هـــا رژه می‌روند و از بعضی مراکز پاسداری می‌کنند.

دنیای غرب در برابر این فریاد احتجاج بلند کرده و به روسیه اِخطار می‌دهد:

زنهار از اینکه یک مـــوی از یک لیتوانیایی ضایع گردد و الا غرب نمی‌تواند تماشابین باشد.

با این تهدید، نه روســـیه ناراحت می‌شـــود و نه هم غربی‌ها عمل روس‌ها را یک امر داخلی روسیه تلقی می‌کنند.

و اخیراً همین‌که روس‌ها در پی احســـاس خطر حرکت‌های اســـتقلال‌طلبی، تصمیم می‌گیرند که صـــدور گاز طبیعی و مواد ســـوخت را به لیتوانی محدود و قطع ســـازند تا از راه فشار دست از حرکت اســـتقلال‌طلبانه و جدایی از پیکر روسیه بردارد، قصر سفید این عمل روسیه را به‌شدت محکوم کرده، اعلان می‌کند:

«اگر روســـیه این عمل را ادامه بدهد امریکا[1] دست به اقدام مناسبی خواهد زد.»

و عدّه‌ای از کشـــورهای اروپایی پیشـــکش‌هایی به لیتوانی می‌کنند.

برادرِ هم‌وطن!

مصایب اقتصادی که آمد برخورداراست. نگاه: خیانت به سوسیالیزم، بخش کتاب، از روجرکیران، توماس‌کنی. «مرکز تدوین»

۱. ایالات‌متحـــدهٔ امریکا: کشوری‌اســـت که در امریکای شـــمالی موقعیت دارد. مســـاحت آن ۹۳۶۳۳۶۴ کیلومترمربـــع و جمعیّت آن در ســـال ۲۰۱۰ م، حدود ۳۱۰۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده‌اســـت و پایتخت آن شـــهر واشـــنگتن است. زبان رســـمی آن انگلیســـی و واحد پول آن دالر امریکایی‌اســـت. نـــگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

دیروز از تبعیض نژادی در بعضی کشـــورهای غربی خبری داشـــتیم که میان انسان‌های سفید و ســـیاه فرق می‌گذاشتند؛ امّا خبر تبعیض مذهبی هم در جهان غرب -که عملاً با مذهب وداع گفتـــه و هدایات دینی را از حیات اجتماعی حذف کرده‌اند- یک پدیدهٔ عجیب و ســـوغات ناآشنا نیست که از تمدن مادی و آلودهٔ غرب که به اصل کرامت انسانی حقیقتاً عقیده ندارد، سر کشیده است.

آری، فقط اســـلام عزیز اســـت که کرامت انســـانی را اصل لایتغیر خوانده در میان سیاه‌وســـفید فرق نمی‌گذارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾[1]

و حقوق انســـانی با اختلاف ادیان و مذاهب تغییر نمی‌یابد، یهودی و مســـیحی و مســـلمانان ازلحـــاظ حقوق انســـانی در حکومت‌های اسلامی هیچ فرقی از یکدیگر ندارند.

پیامبر گرامی می‌فرماید:

﴿من آذی ذمیاً فقد آذانی﴾

أو

﴿من آذی ذمیاً فقد آذنته بالحرب﴾[2]

---

۱. الإســـراء/ ۷۰. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَـــا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَـــرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾
(و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشـــاندیم و از چیزهـــای پاکیـــزه به ایشـــان روزی دادیم و آنان را بر بســـیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.)

۲. حدیـــث بالایی با الفـــاظ بالایی به‌صورت ضعیف و گاهـــی به‌صورت موضوع روایت شـــده است؛ اما احادیثی که در تأید معنای حدیث فوق است، فراوان است؛ برای مثال:
امام بخاری در کتاب الدیات. باب إثم من قتل ذمیا بغیر جرم، می‌گوید:
﴿عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَـــلَّمَ قَالَ: مَنْ قَتَلَ نفساً مُعَاهَدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا﴾
و امام ترمذی در کتاب الدیات، باب ما جاء في من یقتل نفســـا معاهدة، هم‌چنان می‌گوید:

یعنی کســی که یک نفر از پیروان ادیان دیگر مســیحی و یا یهودی را که به‌عنوان ذمّی[1] در کشور اسلامی به سر می‌برند آزاری رســاند گویا که مرا اذیت رسانیده و یا اگر کســی ذمّی را اذیتی رساند من علیه او اعلان جنگ می‌دهم.

برادران عزیز!

تحولات جهان کمونیست، تنها تحول و پدیدهٔ جهان معاصر نیســت که به‌عنوان یک پدیدهٔ مهم جهانی به ظهور آمده است؛ در جهان اســلام نیز تحولات عظیمی بــه دنبال اوج‌گیری جهاد اســلامی ما به میان آمده است که برخی از برکات پربار آن را در سیمای قیام‌های جهادی ملاحظه می‌کنیم.

رســتاخیز جهادی ملّت قهرمان فلســطین یکی از ثمرات زودرس جهاد ملت قهرمان ماست؛

آری، در ســال‌های اخیر به علت سیاست‌های تسلیم‌طلبانهٔ

﴿عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَــلَّمَ قَالَ: أَلَا مَنْ قَتَلَ نَفْسًــا مُعَاهِدًا لَهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَذِمَّةُ رَسُــولِهِ فَقَدْ أَخْفَرَ بِذِمَّةِ اللَّــهِ فَلَا يُرَحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ سَبْعِينَ خَرِيفًا﴾

و امام أبو داود در کتاب الجهاد، باب في الوفاء للمعاهد وحرمة ذمته، می‌گوید:

﴿عَنْ أَبِي بَكْرَةَ قَالَ : قَالَ رَسُــولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا فِي غَيْرِ كُنْهِهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ﴾

در پهلوی این احادیث درست، نباید فراموش کرد که تعالیم قرآنی و سیرت حضرت پیامبر و تعامل خلفای راشد او و روح اسلام مؤید معنای فوق است. «مرکز تدوین»

۱. ذمّی: غیرمسلمانی‌اســت که جان و مال او در امان و پناه اســلام باشــد و جزیه بدهد. مســتأمن غیرمسلمانی‌است که وارد سرزمین اســلامی شده و دارای امنیت و مصونیت اســت. در «نظام سیاســی اســلام» ا استاد شــهید چنین می‌نویسد: کلمهٔ «ذمی» بیانگر این معنی‌اســت که شهروندان غیرمســلمان که در کشورهای اســلامی به‌سر می‌برند، در ذمه و حمایت خدا و پیغمبر قرار دارند، در انجام شعایر مذهبی‌شــان آزاد بوده، مال و جان‌شان در امن‌وامان می‌باشد. جهت آگاهی احکام متعلق به مســتأمین و ذمی، می‌توان به ج:۳، ص: ۶۵ کتاب الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، اثر د. محمود طهماز، چاپ المکتبة الطارق و نظام سیاســی اسلام، ص: ۱۳۴. مراجعه کرد. «مرکز تدوین»

برخی از رهبران سازمان آزادی فلسطین[۱]، ملت قهرمان و انقلابی فلسطین در میان امواج یأس و ناامیدی از یک‌سو به‌سوی دیگر در نوسان بود، آن عده از گروه‌های مقاومت در فلسطین که از مسیر مبارزهٔ برحق و اسلامی خویش منحرف و به دنبال رژیم‌های استعماری و ایدئولوژی‌های انحرافی روان بودند، نیروی مقاومت و یارای مبارزه در میان آنان خاتمه یافت و تنها راه‌شان تسلیم به ارادهٔ دشمن و قبول امر واقع بود و حرکت تسلیم‌طلبی اسرائیل[۲] را با مسخرگی تمام، عنوان حمله صلح فلسطینیان لقب می‌دادند و گروه‌های در خط انحراف، هرکدام راهی را انتخاب کرده، گاهی در دامان سوسیالیزم سقوط و زمانی رو به آستان سکولاریزم و علمانیت نموده و وقتی هم از نشنلیزم عربی حمایت کردند؛ غافل از اینکه این‌همه تلاش‌ها حرکتی جز به‌سوی پرتگاه ذلت و سقوط، چیز دیگر نیست؛

بلی، سوسیالیزم که خود رهسپار موزیم تاریخ شده و سیکولاریزم دسیسهٔ رسوایی‌است که هدف آن جلوگیری از نفوذ شعله‌های فروزان اسلامی در جوامع انسانی و مخصوصاً در

---

۱. فلسطین: بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قارهٔ بزرگ آسیا، اروپا و افریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۶۲۶۳ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۴۳۴۲۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن قدس است. بیت المقدس؛ نخستین قبلهٔ مسلمانان و اسراگاه رسول اکرم نیز در آن موقعیت دارد. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا و اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»

۲. اسرائیل: بخشی از خاک اشغال‌شدهٔ سرزمین فلسطین است که توسّط رژیم غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ م، اشغال شد. صموئیل که مدت پنجاه سال در فلسطین بود، تعداد شش‌صد هزار یهودی مهاجر را در این مِنطقه سکونت داد و پُست‌های مهم را به آنان واگذار کرد و هرچه زمین بود، با سرنیزه از عرب‌ها خریداری کرده به دست یهود داد و امتیاز تجارت خارجی را منحصراً به یهود داد. حمل سِلاح را بر عرب‌ها ممنوع کرد؛ درصورتی‌که تسهیلات فراوانی برای خریداری اسلحه نسبت به یهود مبذول داشت. نگاه: خطرالیهودیة العالمیة علی الإسلام والمسیحیة، ص: ۲۴۲. «مرکز تدوین»

سطح اداره و سیاست بوده و عربیت که بدون اسلام جاهلیتی بیشت نیست. چه زیبا فرموده فاروق اعظم ~ :[1]

﴿العرب مادة الإسلام﴾[2]

آری، عرب مسلمان، قوت الظهر مسلمانان است؛ اما تَرکِ اسلام و رجوع به دوران جاهلیت، تباهی عرب‌ها و مسلمانان است؛ آنجا که عمر ~ ، می‌فرماید:

﴿قصم ظهر الإسلام عروة عروة من نشأ فی الإسلام و لم یعرف الجاهلیة﴾[3]

یعنی کمر اسلام را مَفصل در مفصل می‌شکند، کسی که در محیط اسلام به دنیا آمده و از زشتی‌های جاهلیت بی‌خبر است.

و آنجا که می‌فرماید:

---

۱. عُمَر پسر خَطّاب پسر نفیل ملقب به ابوحفص، فاروق و دوّمین خلیفهٔ راشد. نسبش در کعب بن لؤی به پیامبر Y می‌رسد. پیامبر Y (مدام دعا می‌کرد که خداوند اسلام را یا یکی از دو عمر (عمر پسر خطاب ویا عمرو ابوجهل) عزّت دهد. خداوند دعای پیامبر را در حق او اجابت کرد و مسلمان شد. به واسطهٔ وی، خداوند اسلام و مسلمانان را عزّت بخشید. وی بعد از ابوبکر صدِّیق ~ به خلافت رسید. در دوران خلافتش، سرزمین‌های سوریه، عراق، فارس، بَرقَه، طرابلس غرب، آذربایجان و نهاوند و گُرگان فتح شد. وی اوّلین کسی‌است که آغاز تاریخ مسلمانان را هجرت رسول الله Y قرار داد و دفاتر تنظیم و ثبت امور مالی را ایجاد کرد. در پایان بعد از ده سال و شش ماه و چهار روز مدّت خلافتش، به دست ابولؤلؤ مجوسی در نماز صبح سال ۲۳هـ ق، به شهادت رسید. عمر ~ در حجرهٔ أم‌المؤمنین عایشه A در کِنار پیامبر Y و ابوبکر صدِّیق ~ به خاک سپرده شد. برای آگاهی بیشتر از حیات ایشان، نگاه: ستارگان هدایت، ص: ۱۳۵، سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب ~ ، از حاج ملاعبدالله احمدیان، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از صلاح عبدالفتاح الخالدی و عبقریَّة عُمر ~ ، از عبّاس محمودالعقاد. «مرکز تدوین»

۲. اصل سخن عمر فاروق به روایت امام بخاری این است: ﴿وَأُوصِيهِ بِالْأَعْرَابِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَصْلُ الْعَرَبِ وَمَادَّةُ الْإِسْلَامِ﴾ یعنی او را در مورد بادیه‌نشینان به خوبی سفارش می‌کنم؛ زیرا ایشان اصل عرب و بنیاد اسلام‌اند.» «مرکز تدوین»

۳. صورتی که را ما به آن دست یافتیم این است: ﴿إنما تُنقض عری الإسلام عروة عروة إذا نشأ في الإسلام من لم یعرف الجاهلیة﴾ نگاه: مجموع الفتاوی (۱۰/ ۳۰۱ وَ ۱۵/ ۵۴ از شیخ الإسلام ابن تیمیه. «مرکز تدوین»

﴿إن الله أعزكم بالإسلام فمهما ابتغيتم العزة فی غيره اذلكم الله﴾[۱]

خداوند شما عرب‌ها را به برکت اسلام عزت بخشید هر قدری که دور از اسلام عزت را بجویید خداوند شمارا خوار و ذلیل می‌سازد.

ما همه شاهد احوال نهضت فلسطین بودیم. در آن دوران که به‌نام جهاد و اسلام کار را آغاز و ادامه می‌دادند به‌عنوان یک نیروی عظیم مقاومت در جهان شناخته شدند و آنگاه‌که از خط اسلام منحرف شدند، به سرنوشت اسف‌بار تسلیم و سازش روبه‌رو شدند؛ اما همین‌که بار دیگر نسل انقلابی این ملت قهرمان، با الهام از حماسه‌آفرینان افغانستان، جنبش جدید جهادی خود را آغاز کردند، لرزه بر اندام جباران جهان انداختند و چنانکه همه شاهد این حقیقتیم که رستاخیز کنونی ملت فلسطین که توسط کودکان معصوم و نوجوانان کم‌عمر به هدایت رهبران جهادی آغاز شده سِلاح‌های دست‌داشتهٔ‌شان مسلسل و خمپاره نیست؛ بلکه در پناه عظمت اسلام و فریاد کوبندهٔ الله‌اکبر، با سنگ‌ریزه‌ها علیه دهشت‌افگنانِ تادندان‌مسلح قوای نظامی اسرائیل قیام کرده‌اند، قوت و تأثیر روانی هر سنگریزه‌ای که به دست کودک فلسطینی به‌سوی نظامیان اسرائیلی پرتاب می‌شود کم‌تر از هیبت راکت و خمپاره، ایجاد ترس و رعب نمی‌کند.

امیدواریم که این قیام، سرانجام راه خود را به‌سوی نجات و آزادی فلسطین باز کند. دهشت‌افگنی و کشتار بی‌رحمانهٔ کودکان و جوانان فلسطین به دست اسرائیل، قادر به محو و نابودی این

---

۱. این سخن را حاکم در المستدرک، به این شکل و الفاظ روایت می‌کند: ﴿إنا كنا أذل قوم فأعزنا الله بالإسلام فمهما نطلب العزة بغير ما أعزنا الله به أذلنا الله﴾ نگاه: المستدرک علی الصحیحین، کتاب الإیمان» قصة خروج عمر إلى الشام وقوله إنا قوم أعزنا الله بالإسلام فلن نبتغي العزة بغيره، جـ۱، صـ۲۳۷. «مرکز تدوین»

رستاخیز جهادی نیست؛ بلکه این آتش‌فروزان در نیستان استبداد اسرائیل راه خود را باز کردنی‌است.

برادران عزیز!

عظمت این قیام و ترس و رُعبی را که این قیام، در میان سردمداران استعمارگر جهان در شرق و غرب ایجاد کرده‌است، از دسیسهٔ اخیری که به‌نام مهاجرت یهودان شوروی به فلسطین شروع شده قیاس کرده می‌توانید.

آخر قیام‌کنندگان کدام اردوی منظم و سلاح تهدید کننده‌ای را در اختیار داشتند که امروز روسیه دست در دست اسرائیل و حامیان غربی آن قرار داده و نیروهای تازه‌دم جهت سرکوبی ملت فلسطین می‌فرستد؟

این یهودانی که سال‌ها در دستگاه دهشت‌افگنی و آدمکشی K.G.B[1] و اردوی روسی تربیهٔ آدمکشی را فراگرفته‌اند، به فلسطین فرستاده می‌شوند تا نهضت کودکان فلسطین را سرکوب کنند.

ملّت افغانستان نظر به پیوند عمیق اخوت اسلامی که با ملت قهرمان فلسطین دارد، این دسیسهٔ شوم را -که یک‌بار دیگر

---

۱. K.G.B: مخفف نام اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق است. نام کامل این اداره به زبان روسی این‌گونه است: «کمیته امنیت دولتی» این اداره، درسال ۱۹۵۳ م، پس از مرگ ژوزف استالین رهبر وقت شوروی از ادغام وزارت امنیت دولتی و وزارت امور داخلی تشکیل شد. K.G.B یک نام کلی برای فعالیت‌های سرویس اطلاعات شوروی سابق، پلیس مخفی و آژانس اطّلاعاتی (جاسوسی) آن کشور بود. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ م، K.G.B جای خود را به F.S.B (سرویس ضد جاسوسی روسیه) داد. منتقدان عقیده دارند که این تغییر تنها در نام این سرویس است؛ ولی K.G.B هم‌چنان به فعالیت‌های پشت پردهٔ خود ادامه می‌دهد. نگاه: وبسایت رادیو فردا و وبسایت جمهوری اسلامی ایران، جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، از امیر اعتماد دانشیار و کا. جی. بی در افغانستان، اثر واسیلی میتروخین. «مرکز تدوین»

داستان‌های هولناک قتل‌عام دیر یاسین، حیفا و یافا را می‌خواهد تجدید کند و درعین‌حال در شرق میانه و جهان اسلام آتش جنگ را فروزان می‌سازد- قاطعانه محکوم کرده و به جنگ افروزان اِعلام می‌کنیم:

بیش از این بشریت را به فاجعه‌های خونین مبتلا نسازند اگر جنگ دیگری دربگیرد جنگ‌افروزان جهانی نیز به امنیت نخواهند ماند.

و همچنان یهودان بی‌خبری را که به این جنگ کشانده می‌شوند، از این عِقاب الهی که به زبان پیامبر Y یاد شده، بر حذر می‌سازیم؛ آنجا که می‌فرماید:

«در آخر زمان صهیونیست‌های یهود از نقاط مختلف جهان به فلسطین می‌آیند و آنجاست که عهد تباهی‌شان فرامی‌رسد و از هر جا به آنان حمله می‌شود، هیچ جایی آنان را پناه نمی‌دهد؛ مگر درخت مخصوصی، اگر زیر سنگ پناه برند، سنگ فریاد می‌کند این است یهودی، او را بکشید.»[1]

برای نجات یهود راهی جز آنچه قرآن فرموده وجود ندارد و آن همانا تمسک به حبل‌الله است.

ما با یهود به‌عنوان یک نژاد و به حیث پیرو آیین یهودی هیچ حرفی نداریم؛ امّا چون با اسلام دشمنی کنند و بر اساس مسلک صهیونیستی دست به دهشت‌گری و جنگ‌افروزی زنند، آنجا عواقب تلخ جنایت‌های‌شان به گردن خود آنان است.

دسیسه‌گران بین‌المللی -که در ظاهر، دَم از تقلیل اسلحهٔ

---

۱. متن حدیث مبارک به روایت امام مسلم(۲۹۲۲) این است: ﴿لا تقومُ الساعةُ حتی یقاتلَ المسلمون الیهودَ، فیقتلُهم المسلمون، حتی یختبیءَ الیهودیُّ من وراءِ الحجرِ و الشجرِ، فیقولُ الحجرُ أو الشجرُ: یا مسلمُ یا عبدَ اللهِ هذا یهودیٌّ خلفي، فتعالَ فَاقْتلْه. إلا الغَرْقَدَ، فإنه من شجرِ الیهودِ﴾ «مرکز تدوین»

ذروی[1] و کشنده زده و مدعی تشنج‌زدایی در روابط بین‌المللی‌اند- نباید زمینهٔ جنگ را میان پیروان ادیان مختلف آماده سازند و باید از گذشته‌ها عبرت گرفته باشند که هرقدر مسلمانان مورد شکنجه و آزار قرار بگیرند، به همان اندازه صابر و مقاوم بار آمده و در برابر دسیسه، شجاعانه قیام می‌کنند.

جنبش‌های اسلامی که امروز مَوّاج و توفان‌زا به حرکت افتاده و از میان شکنجه‌گاه و سلول‌های زندان‌های جهنمی سر کشیده‌اند، نیز نباید در حسابات خویش دچار اشتباه گردند. اگر تصور کنند با هجرت ده‌ها هزار یهودی به فلسطین موازنهٔ قوای بشری به نفع یهود تمام می‌شود، سخت اشتباه کرده‌اند؛ چه فلسطین یک کشور عادی در جهان اسلام نیست، آنجا سرزمین معراج پیامبرِ محبوب است، مسلمانان چون ببینند که دیگر با چنین دسیسه‌ها بیت‌المقدس و فلسطین برای همیشه در کام یهود سقوط می‌کند، میلیون‌ها تن از مسلمانان حاضرند به خاطر دفاع از این سرزمین مقدس خویش، مشتاقانه عازم آن دیار گردند.

اینجاست که با مجاهدین، به ترجمانی از ملت قهرمان خود از همهٔ کشورها می‌خواهم مانع این دسیسهٔ آتش‌افروز شوند و ملت‌ها را به حال خودشان بگذارند که در فضای صلح و همکاری با یکدیگر به سر برند.

برادران عزیز!

پیامدهای پربار جهاد ملّت ما تنها در سیمای ملت قهرمان فلسطین به چشم نمی‌خورد، اکنون ملت بافرهنگِ کشمیر که ما پیوندهای عمیقی با این ملّت داریم، یک‌بار دیگر بعدازآنکه سال‌هاست در زنجیر استبداد هندی‌ها به سر می‌برند و جهان در مورد قضیهٔ برحق‌شان مهر سکوت و خموشی بر لب نهاده بود،

---

۱. ذرَّوی، یعنی هسته‌ای. «مرکز تدوین»

بار دیگر به قیام شـــکوهمند خویش آغاز کرده، اینک این قیام با الهام از جهاد اسلامی ملت افغان آغاز گردیده، ملتی که به گفتهٔ شاعر کشمیر، شاعر شرق، علامه اقبال:[1]

سرزمینی کبک او شاهین مزاج
آهوی او گیرد از شیران خراج
آسیا یک پیکر آب و گل است
ملّت افغان در آن پیکر دل است
از گشاد او گشاد آسیا
از فساد او فساد آسیا[2]

اینک همشـــهریان اقبال، از قلب آســـیا؛ از ســـلالهٔ محمود بت‌شـــکن، درس قیام فراگرفته، به آهنگ شکستن سومنات‌های جدید و پاره کردن زنجیرهای اســـتبداد هندوئیزم به‌پا خاسته‌اند، گرچه حکومت هند، هیچ عمل دهشت‌افگنانه و سرکوب‌کننده‌ای نیســـت که تا حال استخدام نکرده باشد؛ امّا مهار کردن این قیام، دیگر کار ساده نیست.

آنانی که مرگ در سنگرهای خونین شهادت را از زندگی در قفس زرین اسارت، شیرین‌تر می‌دانند از شکنجه و فشار، قتل و

---

۱. علاّمه محمّد اقبال لاهوری در ۱۸ عقرب ۱۲۵۶هـ.ش، در شـــهر «سیالکوت» در منطقهٔ «پنجاب» چشـــم به جهان گشـــود. در لاهور تحصیل کرد و ســـپس در کیمبریج و مونیخ به مطالعه در فلسفه و حقوق پرداخت، سپس به لاهور بازگشت و به وکالت مشغول شد. اقبال معتقد است که روح قرآن با تعلیمات یونانی سازگاری ندارد و بســـیاری از گرفتاری‌ها از اعتماد به یونانی‌ها ناشی شده است. تشویق اقبال به بازگشت اســـلام به صحنهٔ سیاســـت و ضدیت با تمدّن غرب و رد دستاوردهای فرهنگی و علمی غرب از مسایلی‌اســـت که مورد توجه و استقبال و گاه مورد انتقاد گروه‌هایی از اندیشمندان است. وی در اول ثور ۱۳۱۷ هـ.ش، پدرود حیات گفت. اســـرار خودی، رموز بیخودی، پیام مشـــرق، زبور عجم، جاویدنامه، پس چه باید کرد؟، ارمغان حجاز، احیای فکر دینی در اســـلام... از آثار اوســـت. نگاه: گزیدهٔ شعرهای اقبال لاهوری، ص: ۱۶ - ۵۹. «مرکز تدوین»

۲. کلیات اقبال، جاویدنامه. «مرکز تدوین»

کشتار نمی‌هراسند.

ملّت کشـــمیر[1] حق دارد آزاد و مستقل زندگی کند. این ملت مســـلمان هیچ نوع پیوند عرفی، تاریخی و مذهبی با هندوستان ندارد. ملت کشـــمیر هم‌زمان با آزادی هند از تسلط انگلیس‌ها، در پهلوی مردم پاکستان خواهان استقلال و تمامیت ارضی خود شد و در این راه از بذل هیچ نوع قربانی دریغ نکرد.

ملل متحد در ارتباط به قضیهٔ کشمیر فیصله کرد:

«از مردم کشمیر همه‌پرســـی صورت بگیرد و آنان حق دارند که آزاد باشند، به پاکستان ملحق شوند یا به هند.»

از این فیصله سال‌هاســـت که می‌گذرد؛ اما مردم کشـــمیر برای‌شان مجال داده نشـــد؛ تا رای خویش را در مورد سرنوشت خـــود اظهار کنند و اکنون این ملت مظلوم مطلبی جز تطبیق این فیصله چیزی دیگری ندارند.

علت این سکوت مرگبار کشورهای فیصله‌کننده چیست؟ با تأسف تمام، ملاحظه می‌شود: برخی از کشورها اصلاً دراین‌باره و فیصله مربوطه صحبت نمی‌کنند. روسیهٔ شوروی به‌عنوان یکی از کشـــورهای امضاکننده در فیصلـــه در پهلوی هند قرار گرفته و علیه ملت مظلوم کشمیر موضع‌گیری می‌کند.

کشـــورهای جهان ســـوم و حتی عدهٔ زیادی از کشـــورهای اسلامی سکوت را بر صراحت، ترجیح داده‌اند. البته موضع‌گیری قاطـــع جمهوری اســـلامی ایران[2] و حمایت کشـــور عربســـتان

---

۱. کشـــمیر؛ منطقه‌ای در شـــمال‌غربی شبه‌جزیرهٔ هند اســـت که از ایالت جامو و کشـــمیر تحت کنترول هند، ایالت گلگت و کشـــمیر آزاد تحت کنترول پاکســـتان و منطقهٔ اقصای چین تحت کنترول جمهوری خلق چین تشـــکیل می‌شـــود. نگاه: ادبیات فارسی در شبه قارهٔ هند و پاکستان، ص: ۶۶. «مرکز تدوین»

۲. جمهوری اســـلامی ایران؛ در جنوب‌غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱٦٤٨١٩٥ کیلومتر مربع و جمعیت آن درسال ۲۰۱۰ م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. پایتخت آن شـــهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» است. دین رسمی

سعودی[1] قابل‌تمجید است.

هرگاه در مسئلهٔ کشمیر کشـــورهای اسلامی موضع روشن و قاطـــع بگیرند، هندوســـتان راهـــی جز اعتراف بـــه حق خود ارادیت مردم کشـــمیر ندارد؛ اما بدبختانه، هند به‌جای تسلیم به واقعیت‌های انکارناپذیر، دســـت به ظلم و کشتار بیش‌ازحد زده و لب و لهجهٔ تهدید به جنگ علیه پاکســـتان را اختیار کرده؛ اما هندوســـتان باید بداند جنگ به نفع هیچ کشـــوری نیست و اگر جنگی در منطقه دربگیرد بیشـــترین خساره را هندوستان متحمل می‌شـــود. وضع فروپاشـــیدهٔ داخلی هند، با اقتصاد بیمار، فقر و محرومیت کمرشکن سرتاســـری منتظر یک انفجار است. برای هند بهتر اســـت سیاســـت غیرواقع‌بینانـــه و جنگ‌طلبانه را کنار بگذارد و با قبول اِعطای حق سرنوشـــت به مردم کشـــمیر، زمینهٔ صلح و همکاری منطقوی را فراهم ســـازد و مبالغ هنگفتی را که بـــه امور نظامی به هـــوی و هوس ابرقدرتی و قلـــدری در منطقه خرج می‌کند، به مصـــرف نیازمندی‌های ملت فقیر، گرســـنه و عریان خود برساند. اکنون دیگر دوران ابرقدرت‌ها و حکمروایی قلـــدران بین‌المللی گذشـــته اســـت، حال، ملت‌هـــای کوچک که مســـلح به ایدئولـــوژی، عقیده و ایمان‌انـــد در پناه وحدت و یکپارچگی می‌توانند از اســـتقلال و تمامیـــت ارضی معتقدات خویش به دفاع برخاسته تصمیم بگیرند و مشتِ کوبنده بر دهان

آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

۱. عربســـتان سعودی؛ کشوری‌اســـت که در قارهٔ آســـیا موقعیت دارد. مساحت آن ۲۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع اســـت و جمعیّت آن در سال ۲۰۱۰ م، به ۲۵۷۳۲۰۰۰ نفر می‌رســـید. شهرهای مهم این کشـــور عبارت‌اند از: مکّهٔ مکرمه - که بیت الله الحرام در آن موقعیت دارد - و مدینهٔ منوره - که مرقد مطهر رســـول گرامیِ انسانیّت در آن هست - و شـــهر ریاض پایتخت آن می‌باشد. واحد پول آن «ریال سعودی» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز تدوین»

ابرقدرت‌های تجاوزگر بکوبند. هندوستان باید این خیال باطل را از سر خود دور کرده و از توسعه‌طلبی و جنگ‌افروزی بپرهیزد و هرگاه هندوستان به پاکستان حمله کند دیگر پاکستان یکه‌وتنها نخواهد بود؛ ملت‌های مسلمان و در پیشاپیش آن ملت قهرمان افغانستان، پاکستان را تنها نمی‌گذارد.

ملت مجاهد افغانستان از حقوق مسلم مردم کشمیر بر اساس فیصله‌های ملل متحد پشتیبانی می‌کند.

اگرچه در استقبال این عید، ملت کشمیر در میان خون و آتش قرار دارد و مانند ملت برادر خود، افغان‌ها که سال‌هاست از سرور و شادمانی عید محروم بودند و اعیاد خون را گذشتاندند، این‌ها نیز این عید خون را استقبال می‌کنند؛ اما یقین داریم که ملّت بزرگ کشمیر از این حقیقت آگاه است که گوهر گران‌بهای آزادی را فقط در بهای خون می‌توان خرید.

امیدواریم اعیاد آیندهٔ مردم کشمیر قرین روزهای استقلال و آزادی این خطهٔ جنت‌نظیر باشد.

هم‌وطنان عزیز!

در این حال که حماسه‌های جهادی ما تحولات بزرگی را به ارمغان آورده است و باآنکه طی سالیان تسلط مزدوران کرملین و یغماگران روسی، اعیاد و بهاران ملت ما عید خون و بهار خونین بوده و امسال که بحمدالله در صبحگاه پیروزی بزرگ و آستانهٔ به اهتزاز درآمدن درفش شکوهمند توحید بر کوه‌پایه‌های پر غرور کشور عزیز خودیم، با همهٔ این احوال، هنوز فاجعهٔ خونین ملت ما پایان نیافته و روس‌ها از شکست رسواکننده خود در کشور ما و در جهان عبرت نگرفته‌اند؛ مداخلهٔ روسی از راه سرازیرشدن کاروان سلاح‌های ویرانگر و مرگبار ادامه دارد و از مزدوران حقیر و رسوای خود بی‌شرمانه حمایت می‌کند، درحالی‌که می‌داند این

مشـــت بدنام آخرین روزهای نابودی خود را پشت سر می‌گذارد و از طرفی هم با طرح دســـایس مانع حق تعیین سرنوشت توسط خود ما می‌گردد.

برخی از کشـــورها که روزگاری به‌نام حامی ملت افغانستان نعره ســـر می‌دادند، به‌صورت مســـتقیم و یا غیرمستقیم عمر این فاجعه را دراز می‌سازند.

امروز همه به این نتیجه رســـیده‌اند کـــه رژیم مزدور حاکم نه‌تنها در میـــان ملّت ما جای پایی ندارد؛ بلکه جناح‌های بزرگی از حزب خلق نیز خواهان نابودی و ســـرنگونی این رژیم منحط است.

هم‌وطنان عزیز!

این حقیقت را همه می‌دانند کـــه در دوران جنگ و اختلال امنیت، رجوع به آراء مردم و تشکیل شورای باقاعدهٔ وسیع در راه سپردن انتقال قدرت کار ساده و آسانی نیست؛ امّا چه بهانه‌هایی نیســـت که در راه جلوگیری از حکومت مجاهدین عنوان نشـــده است.

روزگاری حکومـــت باقاعـــدهٔ وســـیع مطرح بـــود و زمانی حکومت بی‌طرف و اکنون داغ‌ترین قضیه در روند حل مشـــکل افغانســـتان، انتخابات و حکومت ائتلافی با اشتراک عناصری از حزب خلق است.

جمعیّت اســـلامی افغانســـتان درحالی‌که از اصل شوری و سهم‌گیری همه اقشار و طبقات مردم در امر تعیین سرنوشت‌شان پشـــتیبانی می‌کند، عقیده دارد در دوران انقلاب مســـلح، در آن حالـــی که تا هنوز صـــدای هولناک خمپاره‌هـــا، غرش توپ‌ها و تانک‌ها خاموش نشـــده، در آن حالی که تا هنوز امنیت و استقرار به میان نیامده اســـت، در آن حالی که دســـتگاه دهشت‌افگنی و

ماشـــین آدمکشی روسیه در افغانســـتان از حرکت نیفتاده است، تشـــکیل انتخابات سرتاسری کار ساده نیســـت؛ امّا برای اینکه به شـــکلی از اَشکال، نحوۀ ســـهم‌گیری مردم در امر حق تعیین سرنوشت‌شـــان به عمل آید، ما از پـــروژۀ انتخابات در چوکات محدود رأی‌دهندگان که خود آنان درواقع ممثل ارادۀ قشـــرهای وسیعی‌اند که شـــامل قوماندان‌ها، علماء، بزرگان قوم می‌گردد، پشـــتیبانی کرده‌ایم و هرگاه این مجموعـــه در جاهایی انتخابات عمومی را ممکن تشـــخیص بدهند می‌توانند از طریق مطلوب و ممکن، نمایندگان را تعیین و انتخاب کنند.

علت پذیرش ما از این نـــوع انتخابات، تأمین مصالح ملی ملت مسلمان ما و درهم‌شکستن رکود کنونی‌است.

البته در اینجا مشکلی عمده‌ای وجود دارد و آن عدم موازنه و تعادل در میان حلقه‌های انتخاباتی‌است؛ چه تنظیم اداری دوران گذشـــته در باب تقسیم‌بندی ولســـوالی‌ها[1] و ولایات غیرعادلانه بود؛ چه‌بســـا که از یک ولســـوالی یک یک نفر حق انتخاب یک نماینده را داشته و درعین‌حال ولسوالی دیگری که بیست هزار نفر داشت نیز یک نفر نماینده انتخاب می‌گردید.

و ازآنجاکه احصائیه‌گیری مجدد در اوضاع کنونی کار آسان نیســـت، نظام قبلی را فقط برای حل مشکل فعلی و برای تشکیل یک حکومت مؤقت قبول داریم و بعد از تأمین امنیت در کشور، باید بر اساس عدالت؛ مطابق نفوس، نماینده انتخاب شود.

هرچـــه، حکومت ائتلافی با کمونیســـت‌ها به نظر ما مردود و ظالمانه اســـت؛ زیرا مفکورۀ تقسیم قدرت و حکومت ائتلافی زمانی به‌عنوان یک راه‌حل مطرح شـــد که روس‌ها به شکســـت نظامی خود در افغانســـتان به‌صورت قطعی پی بردند. همان بود

---

۱ . ولسوالی: شهرستان. «مرکز تدوین»

کــه در محافل بین‌المللی و در مذاکــرات فی‌مابین مجاهدین و روس‌ها مهم‌ترین موضوعی که به‌عنوان راه‌حل، روس‌ها پیشنهاد می‌کردند، توزیع قدرت و حکومت ائتلافی بود.

در اولین مذاکرات میان هیئت مجاهدین و نمایندگان روسی در طائف، یگانه خواسته و شرط روس‌ها از مجاهدین حکومت ائتلافــی بود، رئیس هیئت مجاهدین ایــن موضوع را قاطعانه رد کرده اظهار کرد:

این کار مداخله در امور داخلی ماست. ما به هیچ‌کسی حق مداخله در امور مربوط به کشــور خود را نمی‌دهیم، مگر شــما روس‌ها، به ما افغان‌ها حق می‌دهید مطالبه کنیم: مخالفین رژیم روسیه در حکومت شما حق اشتراک را دارا باشند؟

همچنان در دیــدار هیئت مجاهدین در ســال ۱۹۷۸ م. با سرمنشی ملل متحد مســئلهٔ توزیع قدرت توسط سرمنشی ملل متحد یاد شد، رئیس هیئت مجاهدین در جواب گفت:

می‌خواهم بدانم که اصول اخلاقی عدالت و حقوق انسانی مفهوم آن در کشورهای شرقی اسلامی غیر ازآنچه می‌باشد که در کشورهای غربی رایج است.

مــا اطلاع داریم نازی‌ها بعد از نیم‌قرن به جرم اشــتراک در قتل یهود و حتی نه به جرم قتل؛ بلکه به اتهام اشــتراک در قشون نازی محکوم به اعدام می‌شــوند و تا جایی که سرمنشــی سابق ملل متحد والدهایــم،[1] رئیس‌جمهور یک کشــور اروپایی [را]

---

۱. کورت جوزف والدهایم؛ درسال ۱۹۱۸ م، در اتریش از پدر معلم در یک خانوادهٔ متوسط زاده شــد. پس از سپری‌شدن تحصیل علاقه زیادی به مسایل سیاسی نشان داد. در ۱۹۴۴ م، موفــق به اخذ دکتورای خود از رشــتهٔ حقــوق گردید. در وزارت خارجهٔ اتریش در ســمت‌های مختلفــی وظیفه اجرا کرد. پــس از آنکه اتریش به تلاش‌های وی عضو رسمی سازمان ملل متحد شد. در ۲۱ دسمبر ۱۹۷۱ م، شورای امنیت وی را برای احزار پســت دبیر کلی به مجمــع عمومی معرفی کرد که در ۲۲ دســمبر مجمع عمومی وی را به‌عنوان چهارمین دبیرکل برگزید. دوران تصدی وی

فقط به اتهام اینکه روزهایی به‌عنوان یک عســکر در قشون هیتلر اجرای وظیفه کرده اســت، حق مســافرت به برخی از کشورها را نــدارد و مورد بازپرس قضایی قرار دارد، آیا عادلانه اســت که از مــا می‌خواهید مجرمینی را که عامل کشــتار یک‌ونیم میلیون انسان مظلوم شده و سوار بر تانک‌های یک کشور متجاوز یکجا با قشــون تجاوزگر خارجی بر کشور خود حمله‌ور شده و آن را به ویرانه‌ای تبدیل کرده‌اند، شــریک سرنوشت خود بسازیم؟ مگر روی کدام معیار حق و عدالت از ما خواســته می‌شود که آن‌ها را در حق تعیین سرنوشــت خود شریک سازیم و با آن‌ها حکومت مشترک تشکیل بدهیم؟

آیا ســزاوار است که قاتلین حرفه‌ای یک ملت که از جنایات گذشــته خود هم اظهار ندامت نکرده‌انــد در پهلوی ناجیان آن یکجا حکومت مشترک تشکیل بدهند؟

هم‌وطنان عزیز!

خود می‌دانید که بازی «آشــتی ملی» از زمان ببرک شیاد تا نجیب جلاد، طی ســالیان متعدد بخشــی از برنامهٔ روس‌ها در جهت تشــکیل دولت ائتلافی در افغانستان است تا بدین‌وسیله نشتر بر جگر ملتی، زرع شــده و بر جنایات غداران یکسره خط بطلان کشــیده شود و نمایندگان K.G.B در همه اسرار نظامی و امور کشوری ما شریک گردند.

گفتنی است که تشکیل حکومت ائتلافی با جناح‌های خلق و پرچم، چه ملکی و چه نظامی همیشــه از طرف مجاهدین رد

با فصل‌های جدیدی در روابط بین الملل همراه بود و بســیاری از مسایل این دوران را تحت تأثیر خود داشــت. از جملهٔ آن می‌توان بــه تنش‌زدایی میان ایالات متحدهٔ امریکا و چین و عضویت این کشــور در ســازمان ملل، جنگ اعراب و اسراییل در ۱۹۷۳ م و شــوک نفتی، قضیهٔ قبرس و انقلاب اسلامی ایران و بحران گروگان‌گیری اشــاره کرد. نگاه: ســازمان‌های بین المللی و نظریه‌های روابط بین الملل، دکتور غلام‌رضا صراف یزدی و محسن صبری/ ۲۳۵. «مرکز تدوین»

شده‌است.

هم‌وطنان آگاه!

همهٔ شـــما این حقیقـــت را می‌دانید که کلید حل مشـــکل سیاسی و نظامی افغانستان به دســـت روس‌هاست. روس‌هایند کـــه در راه تأمین امنیت، خاتمهٔ جنـــگ، انتقال قدرت به‌صورت مســـالمت‌آمیز، عمداً موانع ایجاد می‌کنند. اگر روس‌ها دست از تجاوز بردارند دیگر مســـئلهٔ انتقال قدرت معمای پیچیده نیست که جهانیان را سرگیچ کند. مردم آگاه و باشعور افغانستان با قطع مداخلهٔ نظامی و دسایس سیاســـی روس‌ها می‌توانند در فضای مطمین حکومت خویش را در داخل کشورشان مستقر سازند.

ما معتقدیم کـــه حکومت انتقالی مجاهدین تا به میان آمدن نعم‌البدل آن می‌تواند به‌عنوان یـــک راه‌حل، جایگزین حکومت نجیب گـــردد و همچنان گروه‌های مجاهدیـــن به‌اتفاق یکدیگر و به اشـــتراک قومندان‌های عمده و مهم و شـــخصیت‌های مؤثر سیاســـی، دینی و ملی می‌توانند شورای انقلابی را تشکیل بدهند که تا تشـــکیل حکومت قانونی امور تقنینی و اجرایی، هردو را به دوش داشته باشد.

همچنان می‌توان کمســـیون انتخابـــات را درحالی‌که قاعدهٔ آن وســـیع گردد همه گروه‌ها و یا اکثریت قریب به اتفاق‌شـــان و شـــخصیت‌های مهـــم مذهبی و سیاســـی در آن ســـهم بگیرند، جایگزیـــن حکومت نجیب گردد؛ مشـــروط بـــر اینکه اعضای کمســـیون انتخابات از افراد کارفهم و بـــا موافقهٔ احزاب جهادی باقاعدهٔ وسیع تشکیل گردد.

حل اخیر ایجاب می‌کند دستگاه‌های تروریستی فعلی فورا منحل گردد؛ تـــا ادارات امنی مورد ضرورت، به کمک گروه‌های مجاهد و افراد مطمین از ادارات دســـتگاه ســـابقه، امنیت را در

دوران انتخابات به دوش بگیرنـــد، البته قطع مداخلهٔ روس‌ها در امور افغانستان شرط اساسی هر نوع استقرار در کشور ماست.

هم‌وطنان آواره و دردمند!

مطلـــب دیگری که بـــه آن تماس بگیریم به پیشـــنهاد اخیر صدرالدین آغاخان مربوط اســـت، این پیشنهاد که به‌عنوان یکی از قضایـــای داغ در مطبوعات بین‌المللی منعکس شـــد موضوع تشکیل زون‌های صلح و انتقال مهاجرین به این مناطق است.

در اینجا قبل از اینکـــه روی معقولیت و عدم آن بحث کنیم باید اولًا از خود بپرسیم: عامل هجرت و آوارگی و ترک دار و دیارِ این موج عظیم انسانی چه بود؟

چرا افغان‌هایی که به میهن خویش عشـــق می‌ورزند یکسره همه‌چیز، مال و دارایی و کشور زیبای خود را گذاشته، پای‌برهنه به‌سوی سرنوشت‌های مجهول و دیوانه‌وار به حرکت افتادند و در دیار هجرت به هر نوع ذلّت و محرومیت تن دردادند؟

آری، همه می‌دانیم مردم دین‌دار و نجیب ما به خاطر حفظ عقیـــده و ناموس و حفـــظ جان کودکان و زنـــان بی‌دفاع خویش مجبور به هجرت شـــدند و اکنون آیا در کشور امنیت تأمین شده است؟

و مشکلات گذشته کاملاً از بین رفته است؟

هم‌وطنان عزیز!

سیاســـت جمعیت در ارتباط به هجرت، سخت‌گیرانه بود. ما به فرماندهان خویش همیشه دســـتور می‌دادیم که بکوشند تا آنجایی که امکان بودوباش مردم در داخل می‌شود از هجرت به خارج جلوگیری به عمل آرند؛ تا میدان به دشمن خالی نماند.

و از طرفی معمولاً محرومیت‌هـــای دوران مهاجرت باعث ایجـــاد عقده‌های روانی و انحرافات ســـلوکی در میان بعضی از

افــراد کم‌ظرف و اندک‌رنج، می‌گردد و همچنان ما می‌دانســتیم که دشمنان بی‌شــماری در بیرون از مرزها در کمین نشسته و از محرومیت و احتیاج مردم محروم ما استفاده کرده و در جهت به انحراف کشــاندن ملت با تقوی و طهارت ما تلاش کرده و در راه آنان دام و دانه می‌گذارند.

باوجود این طرز دید مشــخص، ازنظر جمعیّت برگشــتن مهاجرین به داخل کشــور و آن‌هم بدون ارتبــاط به پلان منظم گروه‌های مجاهدین و فقط به سرپرســتی عاقبت‌نیندیشانهٔ افراد مربوط به ملل متحد که معلوم نیســت آنان از چه قماش مردمی خواهند بود، مردود است؛

زیرا هنوز جنگ ادامه دارد و تا هنوز برای رهایش مهاجرین خانه و مســکن تهیه نشده؛ هنوز مشــکل غذایی لاینحل است؛ تا هنوز ماین‌های بی‌شــماری حیات همــه مهاجرین مخصوصاً اطفال را تهدید می‌کند.

اگر مناطق امن به ارتباط مجاهدین باشــد، هرگز امنیت آن گرنتی نمی‌تواند؛ مگر اینکه به شــکلی از اشــکال به آشتی ملی تن دردهند و اگر هدف از این‌همه، تأمین آشــتی ملی از راه‌های کج‌ومعوج باشد دیگر موقف مجاهدین در مورد آن روشن است.

اگر مناطق تحت تســلط دشمن شــامل زون صلح باشد، معنی تســلیمی و ســپردن ملت مظلوم ما به دســت جلادانی را می‌دهد که از زیر ســاطور آنان گریخته‌اند و اگر منظور برگشت تعداد کمی باشــد، پس این یک عمل نمایشی و تبلیغاتی بوده و مشکل اساسی را حل نمی‌کند.

و اگر گفته شــود کشــورهای کمک‌دهنده آماده نیستند که بعدازایــن، در بیرون از مرزها به مهاجرین کمک بدهند معنی آن را دارد که اصلاً حیات مردم ما در نظر این کشورها قیمت ندارد.

درعین‌حال برگشتاندن مهاجرین از ولایات مختلف در زون صلـــح، معنی آن را می‌دهد که بـــار دیگری باز ملت ما در داخل کشور مهاجر شوند و حیات خانه‌به‌دوشی همچنان ادامه یابد.

به عقیدهٔ ما راه‌حل عملی جهـــت انتقال مهاجرین به داخل کشور در این نیســـت که مواد کمکی به مهاجرین قطع و مجبور ســـاخته شـــوند که واپس برگردند، چه این عمـــل، غیراخلاقی و ظالمانه است، مردم افغانســـتان به وطن خویش عشق می‌ورزند همین‌که اوضاع مساعد گردد مشـــتاقانه به دیار محبوب خویش می‌شتابند؛ بلکه راه‌حل عملی به عقیدهٔ من این است:

منابـــع ذی‌علاقه در ملل متحد و کشـــورهای علاقه‌مند، به اختیار حکومت مجاهدین و یا تنظیم‌های جهادی امکانات اِعمار مجدد و وســـایل عودت مهاجرین را بگذارند تا اوضاع ازلحاظ رهایش و غذایی در مناطق تحت تصرف مجاهدین مساعد گردد و بعداً اهل هر منطقه به قریه و شهر خویش برگردند.

لذا ما از ملل متحد و مؤسسات ذی‌علاقه می‌خواهیم سِلاح فشـــار و تهدید به قطع کمک‌ها را علیه مجاهدین استعمال نکنند و به‌جای آن در جست‌وجوی حل سیاسی آبرومند شده و پروسهٔ اعمـــار مجدد را مخصوصـــاً مرحلهٔ تأمین غذایـــی و رهایش را به‌سرعت پیاده کنند.

هم‌وطنان عزیز!

اطّلاع دارم که انفلاســـیون و تورم پولی شدید، کمبود مواد اولیه زندگی، در همه نقاط کشـــور و قحطی در شـــمال و شمال غرب و مناطق مرکزی، ملت مظلوم و زجرکشـــیدهٔ ما را ســـخت شـــکنجه و عذاب می‌دهد؛ اما همـــه می‌دانیم این‌ها همه و همه سوغات‌های این رژیم منحوس و غیرانسانی است.

جمعیّـــت اســـلامی برای حل مشـــکل قحطـــی، پیام‌های

دردمندانه‌ای عنوانی برخی از کشـــورهای اسلامی و ملل متحد فرســـتاده و تقاضای کمـــک عاجل به مناطق آســـیب‌زده را کرده اســـت؛ امّا بدبختانه باوجود وعده‌هـــای اکید ملل متحد تا هنوز گام مؤثری در این راه برداشـــته نشـــده است. ما به سعی و تلاش خویش ادامه می‌دهیم و می‌کوشـــیم تا توزیع گندم ملل متحد در داخل از طریق قوماندانان و یا شورای‌شـــان به عمل آید و ادارات مؤسسهٔ رفاه در داخل نیز به‌عنوان رابطه در میان قوماندانان و ملل متحد وظیفه انجام خواهد داد.

متأســـفانه مزدوران بی‌ضمیـــر در رژیم حاکم بـــرای ایجاد قحطی، مواد غذایی را بـــا قیمت گزاف از بازار خریداری کرده و ذخیره می‌کنند و این عمـــل جنایتکارانه را با نفرت عمیق دیده و به‌شدت تقبیح می‌کنیم.

هم‌وطنان عزیز!

همشهریان کابل در جریان قرار دارند که مصادف به خروج قوای روســـی از کابل، مجاهدین جمعیت جهت سقوط رژیم، دست به بند ساختن راه سالنگ زد تا از رسیدن سلاح و موادی که وسیلهٔ تقویت رژیم می‌گردد مانع گردد و اوضاع طوری بر رژیم ســـخت آمد که اگر برای یک هفتهٔ دیگر –قرار شـــهادت افسران رژیم– دوام می‌کرد، رژیم سقوط می‌کرد؛

در این حال مجموعه از شهریان کابل از مجاهدین خواستند راه را بـــاز کنند؛ چه دوام محاصره آنان را به مشـــکل کمبود مواد غذایـــی روبه‌رو می‌ســـازد، مجاهدین در آن حالـــی که رژیم در آستانهٔ ســـقوط قرار داشت، نظر به تقاضای شهریان محروم کابل محاصره را شکستانده و راه را به روی کاروان‌هایی که از شوروی می‌آمد، باز گذاشـــتند. درحالی‌که این کاروان‌هایی که در ظاهر مواد غذایی نقل می‌دادند؛ در خفا، مقادیر زیادی از ســـلاح را به

کابل انتقال دادند و اکنون بار دیگر به خاطر جلوگیری از قحطی، ما موافقه کردیم تا مواد غذایی ملل متحد که از طریق اروپا وارد افغانستان می‌شود درصورتی‌که تحت ادارهٔ ملل متحد بوده و مجال بهره‌برداری به روس‌ها و مزدوران‌شان داده نشود از طریق شورای قوماندان‌ها در میان مناطق آسیب‌رسیده توزیع گردد.

هم‌وطنان عزیز!

اگرچه رنج‌های فراوان سالیان تجاوز قلداران روسی، محرومیت‌های فراوان هجرت و آوارگی، ملت دردمند و زجرکشیدهٔ ما را سخت زار و خسته ساخته است؛ امّا ازآنجاکه برای نجات کامل میهن و قطع آخرین مظاهر تجاوز خارجی، راهی جز ادامهٔ جهاد نداریم، پس درحالی‌که هنوز دشمن سلاح را بر زمین نگذاشته و ملت قهرمان ما به آرمان والای شهدای گلگون‌قبای خود نرسیده حضور فعال در سنگر جهاد و مقاومت امری‌است لابدی و حتمی.

ما یقین داریم وضع نابسامان داخلی و اقتصاد بیمار روسیه دیگر اجازه نمی‌دهد زمامداران کرملین تا مدت درازی هرسال پنج میلیون دالر در راه حمایت مشتی از عناصر مزدور خرج کنند و اگر هم به چنین اشتباهی ادامه دهند ما ایمان داریم. رژیم بی‌پایه و مزدور حاکم راه طبیعی خود را به‌سوی پرتگاه نابودی طی کردنی است و به مصداق هدایت قرآن:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾[1]

---

۱. انفال / ۳۶. (بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند، پس به زودی [همهٔ] آن را خرج می کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می شوند و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد.) «مرکز تدوین»

این اموالی را که روس‌ها جهت جلوگیری از تشـــکیل دولت اسلامی و دوام حکومت مزدوران خویش خرج می‌کنند ثمره‌ای جز حسرت و افســـوس به بار نمی‌آورد و ســـرانجام به شکست حتمی روبه‌رو می‌شـــوند و جال عنکبوتی رژیم، فرو می‌پاشـــد. ملت ما بازهم به صبر و استقامت نیاز دارد.

هم‌میهنان عزیز!

حکومـــت انتقالـــی مجاهدین در کل و جمعیّت اســـلامی افغانستان به‌طور خاص از همه کارمندان دولت (ملی و نظامی) می‌خواهد تـــا هرچه زودتر به صفوف بـــرادران مجاهد خویش، به‌صف انقلاب شکوهمند اسلامی خود بپیوندند. ما از همه‌شان به‌عنـــوان یک هم‌وطـــن که در گذشـــته روی هر انگیـــزه‌ای بود فریب‌خورده و یا مجبور بودند، دلسوزانه استقبال می‌کنیم و همهٔ ما و شما می‌دانیم آن عده از افرادی که به دین و وطن خویش غدر کرده‌اند، تعدادشان محدود اســـت که با آنان هم بعد از تشکیل دستگاه قضایی و استقرار امنیت مطابق به قوانین عادلانهٔ اسلامی معامله و بازپرسی صورت می‌گیرد.

پیوستن دسته‌جمعی همشـــهریان کابل به صفوف انقلاب، مؤثرترین وسیله برای سقوط رژیم و کوتاه‌ترین راه برای پایان‌یافتن دوران خونریزی در کشور است.

لذا از همه شهریان کابل می‌خواهیم راه را برای نجات کامل کشـــور و سقوط رژیم غداران کوتاه ســـازند تا هرچه زودتر بدون خونریزی و اِتلاف جایدادهای شخصی و سرمایه‌های باقی‌مانده ملی، امنیت در کابل و شـــهرهای دیگر مستقر گردد. نقش نسل جوان و مردم آگاه و باشـــعور در این حماسهٔ تاریخی تعیین‌کننده است.

هم‌وطنان آگاه و دردمند!

در آســتانهٔ آزادی و نجات کامل میهــن و برای بنیان‌گذاری یک افغانستان اسلامی، افغانســتان قدرتمند و متکی به‌خود، به وحدت و یکپارچگی همه اقشــار ملت نیاز مبرم داریم. عظمت ملت‌های قهرمان تنها در این نکته خلاصه نمی‌شود که در دوران نبرد آزادی، حماسه‌ها بیافرینند؛ بلکه سیمای مجد و جلال افراد یک ملت در تصمیم‌گیری و ارادهٔ قوی آنان در زمان ســازندگی و بازسازی، بیش‌ازپیش به نمایش درمی‌آید.

ملت‌های آگاه و هدفمنــد که در بهای خون هزاران هزار از فرزندان عزیز و میهن خود به آزادی نایل شده‌اند، کشور خود را نه ویــران می‌گذارند و نه هم اجازه می‌دهند در اثر غفلت و ناروایی آنان راه نفوذ مجدد استعمار به‌نام بازسازی به‌سوی سرزمین‌شان باز گردد.

امیدواریــم هم‌زمــان با عیــد بزرگ آزادی، جشــن عظیم بازسازی کشورمان آغاز گردد وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللّه بِعَزِيز.[1]

---

۱. این پیام؛ به‌حیث یک پیام مســتقل در یک رساله که به تیراژ دوهزار جلد، در ۲۹ رمضان المبارک ۱۴۱۰هـ ق، چاپ و به‌نشر رسیده است. «مرکز تدوین»

۸۳
به مناسبت عید سعید اضحی
۱۳۶۵هـ ش

برادران مجاهد در سنگرهای خون و شهادت، مهاجرین دور از میهن!

امسال چون سالیان گذشته بار دیگر عید قربان را در اوضاع و احوالی استقبال می‌کنیم که جلادان ویرانگر کرملین با وحشت هرچه بیشتر دست به کشتار و ویرانگری زده، کشور ویران ما را ویران‌تر ساخته و سیلاب خون ملّت زجرکشیده و مظلوم ما را بیشتر جاری ساخته‌اند؛ امّا هرقدر می‌سوزند و می‌کشند و ویران می‌کنند، بازهم ارادهٔ ملّت، چون کوهپایه‌های پر غرور کشور، ثابت و استوار بوده، شکست و تزلزل در آن به میان نمی‌آید؛ سنگرداران باایمان حماسه می‌آفرینند و آوارگانِ دور از میهن، با همت والا، روزگار بیچارگی و محرومیت را سپری کرده و به نیرنگ دشمنان حیله‌گر تسلیم نمی‌شوند.

در گذرگاه تاریخ ملّت‌هایی که معتقدات دینی خود را حفظ و هویت و تاریخ ملی خود را فراموش نکرده‌اند، هجوم کشورکشایان و تاراج غارتگران، آنان را نابود نساخته و سرانجام تجاوزگران را بیرون کشیده، عظمت و جلال ازدست‌رفتهٔ خویش را اعاده کرده‌اند.

با ویرانی کوخ‌ها و کاخ‌ها، یک ملّت نابود نمی‌گردد و با کشتار و شهادت‌ها، نسل‌ها منقطع نمی‌شوند؛ تنها زمانی یک ملّت نابود می‌گردد که ریشه‌های اعتقادی در ضمیرش خشک

گردد و هویت تاریخی و ملی‌اش مسخ گردد.

روس‌ها هم‌اکنون بعدازاینکه از غلبه و پیروزی بر ملّت قهرمان ما در سنگرهای خونین مأیوس و ناامید شده‌اند، برای خاموش کردن فروغ ایمان در ضمیر نسل‌های آینده، کودکان ما را اختطاف و آنان را روی مبانی هرزهٔ کمونیزم تربیت می‌کنند تا شود شعلهٔ ایمان در ضمیرشان خاموش گردد. البته این خطر تنها در داخل کشور نیست؛ رهزنان دیگری هم در بیرون از کشور، کودکان و جوانان ما را به انحراف و فساد اخلاقی تهدید می‌کنند.

پس رسالت ملّت انقلابی و مؤمن ماست که اجازه ندهد، دست‌های ناپاک، در داخل و خارج به‌سوی حریم معتقدات دینی ما دراز گردد و چنانکه ملت قهرمان ما در دفاع از حریم کشور و تعالیم والای دینی خویش قربانی‌های بی‌شماری را متحمل گشته است، برای خنثی ساختن این نوع دسیسه‌ها باید آمادهٔ هر نوع فداکاری و قربانی بود.

یکی از دسایس خطرناک و ویرانگر دشمن این است که قیام قیامت‌زای ملّت ما را در محاصرهٔ سیاسی قرار داده و مجال ندهد که انقلاب ما شناخت سیاسی و پایه‌های عمیق بین‌المللی پیدا کند.

روس‌ها تلاش می‌کنند تا آواز سنگرهای ما را خفه سازند و مانع شناخت بین‌المللی ما گردند و با فاجعهٔ دردناکی ما را روبه‌رو سازند که برادران قهرمان ما در آسیای میانه با آن روبه‌رو شدند؛ لذا باید کوشید تا دسیسهٔ دشمن را در نطفه نابود کرد و انقلاب ما، باید آواز خود را در محافل بین‌المللی برساند و به زبان خویش از خود ترجمانی کند و در غیر آن هرقدر در سنگر، توانایی نشان دهیم، سرانجام حیله‌های سیاسی دشمن، قوت نظامی ما را کم‌زور می‌سازد.

هم‌اکنون به علت نداشـــتن مرکزیت مســـتحکم سیاســـی هرکســـی به خود حق داده و جرأت می‌کند به‌نام ملّت قهرمان ما حرف بزند و حکومت‌های دور از میهن اعلان کنند و بدین‌وسیله تلاش می‌شود قضایا را پیچیده‌تر سازند.

محتوی سراب کاذب حل سیاســـی که روس‌ها با آب‌وتاب از آن حرف می‌زدند، دیگر روشـــن شد که این‌همه بازی‌ها برای این بود تا موجودیت سیاســـی انقلاب ما را خاتمه بخشند. البته تا زمانـــی که ملت ما، خـــود در حل قضایای مربـــوط به تعیین سرنوشـــت خویش، حضور نداشته باشـــد، هرگونه حل سیاسی مؤثر نخواهد بود؛

بنابراین، در این اوضاع حســـاس و سرنوشت‌ســـاز، وظیفهٔ هریکی از فرزندان مؤمن و مســـلمان ماست که دیگر به قضایای اساسی و سرنوشت ملّت خویش توجه داشته و به کشمکش‌های بیهودهٔ کلامی التفاتی مکنند و اتهامات هرزه را علیه یکدیگر کنار بگذاریم و برادروار برای نجات کشور اسلامی و ملّت مسلمان، در یک صف وسیع و مستحکم باهم یکجا قرار بگیریم تا دسایس دشمن کارگر واقع نشود.

ما به نصرت الهی ایمان داریم. امیدواریم روزی فرارسد که دشمن زبون ما با ذلت و شرمساری خاک کشور ما را ترک گوید و در پناه حکومت عدل الهی روزهای عید را تجلیل کنیم وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللّه بِعَزِيز.[1]

---

۱. این پیام از نشریهٔ مجاهد؛ صفحهٔ‌نخست، دور دوم، شماره چهارم، سال ۱۳۶۵هـ ش، نقل شده است. «مرکز تدوین»

۸٤

به مناسبت عید سعید اضحی

۱۰ سرطان ۱۳٦۹ هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هم‌وطنان عزیز و قهرمان!

حلول عید سعید قربان را به شما ملّت مؤمن و با تقوی مبارکباد می‌گویم.

با فرارسیدن ایام این عید، بزرگ‌ترین خاطرهٔ قربانی و ایثار، مبارزه و اخلاص، صبر و استقامت، کار و پیکار در دل‌ودماغ هر مسلمان تجسم می‌یابد.

آری، با حلول عید سعید اضحی مسلمانان راستین، به یاد قربانی‌ها و مبارزات ابراهیم بت‌شکن و اسماعیل ذبیح می‌افتند که در راه رضای پروردگار و انجام رسالت الهی خویش، از هیچ نوع تلاش و ایثاری دریغ نکردند.

أبوالأنبیاء ابراهیم خلیل در دوران کودکی و صبحگاه جوانی علیه بت‌پرستان گمراه و طاغوتیان سیه‌کار قیام کرد و بدون ترس و هراس اعلان شورش و مبارزه کرد و گفت:

﴿وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم..﴾[1]

(قسم به پروردگار که هر آئینه بتان شما را در هم می‌شکنم.)

---

۱. کامل آیت مبارکه این است: ﴿وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ﴾ انبیا/۵۷

(و به‌خدا سوگند! نقشه‌ای برای نابودی بتهای‌تان در غیاب شما طرح می‌کنم.)

«مرکز تدوین»

در راه انجام رسالت جهانی خویش با خانواده و کودکانش رنج غربت و آوارگی را به جان‌ودل خرید؛ با همسر و طفل معصومش در بیابان سوزان حجاز برای بنای مرکز توحید؛ کعبهٔ یکتاجویان و یکتاپرستان رحل اقامت افگند:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾[1]

خانوادهٔ پاک‌سرشت و باتقوایش، همانند رئیس فامیل، در انجام امر الهی با شور و اشتیاق از یکدیگر سبقت می‌جستند؛ به‌خصوص فرزند جوانش اسماعیل که رنج‌های فراوان آوارگی و هجرت را به وجود نازکش لمس کرده‌است.

چون از زبان پدر، پیام الهی را می‌شنود:

﴿إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ﴾

یعنی در خواب دیده‌ام که تو را قربانی کنم!

بدون اندک تأملی جواب می‌دهد:

﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾[2]

---

۱. کامل آیهٔ مبارکه این است: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ ابراهیم/۳۷

(پروردگارا من، برخی از فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت، نزد خانهٔ محترم تو سکونت دادم، پروردگارا! تا نماز را به پا دارند؛ پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده! باشد که سپاسگزاری کنند) «مرکز تدوین»

۲. کامل آیهٔ مبارکه این است: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ صافات/۱۰۲.

(و وقتی با او به جایگاه سعی رسید، گفت: ای پسرك من! من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم پس ببین چه به نظرت می آید؟ گفت: ای پدرِ من! آنچه را مأموری بکن! إن شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت.) مفصل این داستان را می‌توانید در کتاب «داستان پیامبران» نوشتهٔ عفیف طباره، بخوانید. «مرکز تدوین»

پدر به آنچه مأمور شده‌ای انجام ده، ان‌شاءالله مرا از صابران خواهی یافت.

پدر و فرزند هر دو از برگزیدگان و خاصان حق‌اند، در امتحان بزرگ پیروز می‌شوند و آنگاه به امر پروردگار یکتا به اِعمار خانهٔ توحید؛ کعبهٔ مشتاقان و قبلهٔ راز و نیاز خداجویان و حق‌پرستان می‌پردازند و بعد از تکمیل این مرکز وحدت و عبادتِ مؤمنان، از بشریت سرگشته و گمراه دعوت به عمل آرَد:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾[1]

مردم را به حج دعوت کن، پیاده و سوار بر اشترهای لاغر و از هر گوشه و کنار خواهند آمد.

آری، مؤمن پاک‌نهاد لبیک‌گویان از این دعوت حق استقبال کرده و با شور و شوق به دیار حرم خواهد شتافت.

برادران عزیز!

ملّت قهرمان ما در طول سالیان هجرت و جهاد با پیروی از سنّت و ملّت ابراهیمی، در برابر سردمدار طاغوتیان جهان قیام کرد و چون ابراهیم -علیه‌السلام- در عصر ما، طاغوت‌ها را درهم شکست.

رنج و آوارگی و محرومیت را در راه دفاع از دین و آیین، شرف و ناموس به جان‌ودل خرید و در دشت‌های سوزان در آوردگاه‌های[2] محرومیت، حیات هجرت را و رنج‌های فراوان دوری از میهن را پذیرفتند؛ امّا به کفر و الحاد تسلیم نشدند.

پدران فداکار، ابراهیم‌وار فرزندان دلبند خویش را اسماعیل‌وار به معرکه‌های خونین قربانی و فداکاری فرستادند و

---

۱. حج/ ۲۷. «مرکز تدوین»

۲. آوردگاه، یعنی رزمگاه، میدان نبرد و جنگ‌گاه. «مرکز تدوین»

هیچ‌یک چین بر جبین نیاورده و بلکه اسماعیل‌گونه گفتند:

پدران بت‌شکن! مادران شیردل! فرمان دهید آنچه فرمان رب الجلیل است را به جان‌ودل پذیرفته‌ایم.

ملّت فداکار سرزمین خون و آتش، افغانستان را سنگر مؤمنان راستین و کعبةُ العُشّاق جهادگران صادق ساختند، از هر سوی جهان جوانان مؤمن با شور و شوق رهسپار دیار ما شدند.

و در اثر جهاد و فداکاری شما ملت قهرمان، روس‌ها با ذلت و زبونی فرار کردند و ملت ما یکی از مراحل عمده تاریخ جهاد و مبارزهٔ خویش را با سربلندی به پایان رسانید و اما هنوز مراحل رسیدن به معراج تکامل به پایان نرسیده است. باید تا رسیدن به آرمان نهایی که همانا تشکیل دولت اسلامی‌است به مبارزه و جهاد عظیم خویش ادامه دهیم.

البته رهزنان زیادی در کمین‌اند و شیاطین زیادی به آهنگ وسوسه و به انحراف‌کشاندن جهاد و مبارزهٔ برحق ما، دست‌اندرکارند و هواخواهان رژیم‌های طاغوتی و دشمنان نظام اسلامی، مشغول توطیه بوده و برای سرکوبی جهادگران و سنگرنشینان به یکدیگر پلان و برنامهٔ ترور انقلاب و چهره‌های اصیل و صادق آن را می‌دهند؛ تا به اهداف شوم خود برسند:

﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾[1]

یعنی ابراهیم بت‌شکن را بکشید و به کمک خدایان باطل خویش دست به‌کار شوید.

امّا این‌همه تلاش‌ها در برابر سیل خروشان و امواج سرکش انقلاب اسلامی، چون بندهای ریگی فرومی‌ریزد و سرانجام

---

۱. کامل آیت کریمه این است: ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ﴾انبیاء/۶۸.

(گفتند: اگر کاری می‌کنید او را بسوزانید و خدایان‌تان را یاری دهید.) «مرکز تدوین»

انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد.

دشمنان اســـلام را بگذارید که علیه انقلاب اسلامی توطیه کنند، ثمره‌ای جز حسرت و ناامیدی نصیب‌شان نخواهد شد: ﴿إِنَّ الَّذِيــنَ كَفَرُوا يُنْفِقُــونَ أَمْوَالَهُــمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَــبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْــرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾[1]

هرآئینه کافران جهت جلوگیری از اســـلام و دعوت اسلامی مصارف هنگفتی می‌نمایند و این کار را ادامه می‌دهند درنهایت حاصلی جز حســـرت و ناامیدی نصیب‌شـــان نمی‌شود و آنگاه مغلوب می‌گردند.

امیـــدوارم ملّت قهرمان و فداکار ما بـــا الهام از کارنامه‌های بزرگ پیامبر اولوالعزم، ابراهیم خلیل و فرزند بزرگوارش حضرت اسماعیل، در راه رســـیدن به آرمان والایی خویش یعنی تشکیل دولت اسلامی که کعبهٔ آمال همه مؤمنان مخلص در همه‌جاست پیروز گردنـــد و موانع را با تکیه به نصـــرت الهی و همت والای خویش از مسیر خود دور سازند تا باشد که به فضل پروردگار در سال دیگری در همین ایام عید سعید اضحی را در کشور اسلامی خویش؛ افغانستان استقبال کنیم وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللّه بِعَزِيز.[2]

---

۱. کامـــل آیهٔ کریمه این اســـت: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَــرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُــمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَــيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْــرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ أنفال/۳۶.

(بی گمان کســـانی که کفر ورزیدند اموال خـــود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند پس به زودی [همه] آن را خرج می کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می شـــوند و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد.) «مرکز تدوین»

۲. این پیام از نشریهٔ مجاهد؛ شمارهٔ ۱۲۴، یک‌شنبه، ۱۰ سرطان ۱۳۶۹هـ.ش، نقل شده است. «مرکز تدوین»

بخش دوّم

پیام‌های همدردی

۸۵
به مناسبت شهادت استاد خطیبی
۱۷ جوزای ۱۳۶۹هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طـــی توطیهٔ خائنانه و بزدلانه‌ای برادر بـــا تقوی و طهارت محمّد ظاهر خطیبی[1] در منزلش شب‌هنگام به شهادت رسید:

﴿إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ﴾[2]

شهادت این فرزند باوفا و راستین نهضت اسلامی ضایعه‌ای است جبران‌ناپذیر و حادثه‌ای‌است ناگوار که سنگرنشینان مؤمن و رهروان صادق جنبش اسلامی را در کشور سوگوار ساخت.

مرحوم خطیبی -که در خانوادهٔ متدین و با تقوی رشـــد یافته بود- انســـان فرشـــته خصالی بود که اخلاص و مَحبّت و صفا و صمیمیـــت در گفتار و کـــردارش در برابر همه افراد محســـوس می‌شد.

اخـــلاق عالی و فضایل فطری او با بافـــت پر از فتنهٔ جامعهٔ

---

۱. اســـتاد محمّد ظاهر خطیبی: یکی از چهره‌های برجســـتهٔ جهاد بود که ســـمت ریاست مجلس شـــورای ولایتی جمعیّت اسلامی افغانستان را در ولایت لغمان به عهده داشـــت و در عین زمان در دانشگاه «دعوت الجهاد» به‌حیث استاد دانشکدهٔ اصول دین، ایفای وظیفه می‌کرد. وی در ۱۲ جوزا ۱۳۶۹ خورشـــیدی، در منزلش، در منطقهٔ تهکال پایین توســـط افراد نامعلومی به شهادت رسید. نگاه: مجاهد، سال سیزدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۲۲، پنج‌شنبه، ۱۷ جوزا ۱۳۶۹هـ ش. «مرکز تدوین»

۲. بقره / ۱۵٦. ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُواْ إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ﴾ ([همان] کســـانی‌که چون مصیبتی به آنان برســـد، می‌گویند: مـــا از آن خداییم و به‌سوی او باز می‌گردیم.) «مرکز تدوین»

ما انسجامی نداشت، گویا او انســانی بود از جامعهٔ برتر غیر از جامعهٔ ما.

خبر شــهادت او به دست جنایتگر ســفاکی، مایهٔ شگفت همگان شد.

آنان که خطیبی؛ این الگوی تقوی و فضیلت را می‌شناختند، همه در حیرت شدند که کدامین انسان سفاک و خون‌آشامی بود که این فرشتهٔ پاک‌نهاد در لباس انسان را به قتل رسانده‌است و چه انگیزه‌ای داشت؟

چهرهٔ نورانی و تابناکش در برابر هیچ انســانی خشــمگین نمی‌شــد، مردی که حرف بدی را در هیچ‌وقــت در پیدا و پنهان علیه کسی نمی‌گفت، در هیچ فتنه‌ای طرف نبود و از هر فتنه بیزار بود، پس چه نوع انسان جنایتگری ارادهٔ قتل او را کرده؟
آیا از قتل انسان‌های دیگر سیر شده، هوس قتل فرشتگان را داشته است؟

یقیناً کســی بــاور نمی‌کرد که خطیبی پــاک‌دل و پاک‌دامن با چنین وحشــتی به قتل برســد؛ امّا جانیان مزدور که دشــمن انسان‌های بافضیلت‌اند، نیازی به انگیزه و عامل ندارند، جانیان بالفطره و عُمّال حقیر کفر جهانی در راه پیاده کردن اهداف شــوم باداران‌شان دست به هر جنایتی می‌زنند.

آری، آنان که از به میان آمدن دولت عدل الهی در هراس‌اند، آنانی کــه عناصر مؤمن را مانع پیاده شــدن اهداف ناروای خود می‌دانند، از ارتکاب چنین جریمه‌ای دریغ نمی‌کنند.

شــهادت مرحوم خطیبی، جزء توطیهٔ بین‌المللی دشــمنان اسلام است که به دســت عناصر ناپاک و عناصر مفسد صورت می‌گیرد.

خداوند خطیبی با تقوی و طهــارت را بیامرزد و مقام رفیع

شـــهدا را نصیبش سازد و به یاران هم‌رزمش توفیق عنایت فرماید تا راه او را ادامه دهند.

روحش شاد و یادش گرامی باد

برهان‌الدین ربّانی[۱]

۱. این پیام به نقل از مجاهد؛ ســـال سیزدهم نشراتی، شـــماره ۱۲۲، پنجشنبه، ۱۷ جوزا ۱۳۶۹ می‌باشد. «مرکز تدوین»

۸۶
به مناسبت شهادت عبدالعزیز مراد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شـــهیدان بزرگواری که در مراحل مختلف، در راه دعوت و جهاد در نهضت اســـلامی[1] کشور عزیزمان افغانستان، جان‌های شـــیرین خود را از دســـت داده‌اند، هریکی از آنان منزلت و مقام بزرگی داشـــته و دارند؛ امّـــا در میان آنان چهره‌هـــای تابناکی از فرزندان دعوتگر و مجاهدین این نهضت هســـتند که شهادت و فقدان آنان خلای بزرگ و جبران‌ناپذیری را به میان آورده است؛

در جملهٔ این شـــهیدان ارجمند، یکی هم عزیز مراد،[2] شهید

---

۱. برای معلومات بیشـــتر در مورد «نهضت اســـلامی افغانســـتان»، به کتاب‌های: «یادی از دو شهید» اثر استاد شهید G و «افغانستان در پنج قرن اخیر»، از میر محمّدصدیق فرهنگ، ص: ۸۲۱، مراجعه شود. «مرکز تدوین»

۲. عبدالعزیـــز مراد فرزند الحاج بهادر خان درســـال ۱۳۳۲ هـ ش، در کوه‌بندِ اُســـتان کاپیسا دیده به جهان گشود. آموزش ابتدایی را در کوه‌بند و ثانوی را در لیسهٔ ابن سینا به پایان رســـاند. وی تحصیلات خود را در ۱۳۵٤ در دانشکدهٔ حقوق نیمه‌تمام گذاشت و راهی پشاور گردید. مرحوم مراد بعد از شکست قیام پنجشیر، دیگر امکان ادامهٔ تحصیل در دانشگاه کابل را نداشـــت و به صف فعالان مهاجر، وابسته به جِهاد پیوست. وی در ۱۳٦۰ به وطن باز گشـــت و برضد نظام دست‌نشاندهٔ مسکو به فعالیت پرداخت. شهید مراد یکی از دل‌ســـوزترین نخبگان جِهاد بود که برای تأمین وحدت مِلّی و هم‌بســـتگی مجاهدین تلاش می‌کرد. ایشان به‌عنوان سخنگوی باصلاحیّتِ دولت اسلامی، در تمام حالات دشـــوار در برابر مســـایل گونه‌گون موضع گرفت و به گونهٔ شایسته و مناسب این مسئولیت مهم را پیش برد. ســـرانجام این مجاهد پاکباز در سانحهٔ هوایی بامیان در ماه اسد ســـال ۱۳۷٦هـ ش، همراه با تعدادی از شـــخصیت‌های سیاسیِ کشور به‌شهادت رسید. نگاه: هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۳، دورِ ششم، سال سوّم، شمارهٔ بیستم، چهارشنبه، ٤ سنبلهٔ ۱۳۸۳ هـ ش. «مرکز تدوین»

بزرگواری‌است که از صبحگاه جوانی به‌عنوان یک سپاهی همیشه در سنگر بود و در خدمت آرمان والایی نهضت در ساحهٔ جذب و دعوت جوانان درخشندگی خاص داشت و چون پروانه‌ای بی‌قرار و آرام و بدون آشوب و غوغا سرگرم فداکاری و از خودگذری بود و با فرارسیدن دوران دفاع مقدّس و ظهور ابر سیاه یلغار و یورش کمونیزم در افق خونین کشور به‌عنوان یک‌تن از فرزندان پیش‌مرگ و فدایی در راه دفاع از دین و میهن به صف نوجوانان فدایی نهضت پیوست و با تحمل سخت‌ترین اوضاع روزهای اول قیام و رستاخیز جهادی در کشور، در بستر صخره‌ها و کوهساران میهن، سنگر گرفت و همراه با سایر یاران فداکارش جرقه‌های امید دفاع و مقاومت را در ضمیر ملت خویش شعله‌ور ساخت.

وی در محیط آوارگی و هجرت، به علت برخورداری از استعداد خلاّق فکری کارهای باارزش انجام داد و مدّت‌ها از مشاهدهٔ اوضاع رقت‌بار کشور که در اثر کودتاهای خونین و تهاجم قشون سرخ ایجاد گردیده بود، رنجور و علیل گشت؛ امّا به هر وضعی که قرار داشت، دست از کار و پیکار برنمی‌داشت و با جسم علیل و ناتوانش تلاش می‌ورزید.

و آنگاه‌که نهضت بزرگ جهادی ملّت افغانستان به پیروزی رسید، بعد از انجام یک سلسله از مسئولیت‌ها به‌عنوان سخنگوی دولت اسلامی برگزیده شد، در طول دوران این مسئولیت سنگین، شایستگی و لیاقت بالایی از خود نشان داد که مایهٔ تحسین و آفرین قرار گرفت و سرانجام در سانحهٔ دردناک هوایی در بامیان[1]

---

۱. بامیان: در مرکز افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۱۸۰۲۹,۲ کیلومتر مربع و جمعیّت آن درسال ۱۳۹۱هـ.ش، حدود ۲۷٤٦۱۸ هزارنفر محاسبه شده‌است، مرکز آن شهر بامیان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۰۹۷. «مرکز تدوین»

با یاران هم‌سفرش غفورزی،[۱] دانشیار،[۲] سجادی و دیگران به‌صف قافلهٔ شهیدان رستاخیز بزرگ جهادی کشور پیوست.

نهضت اسلامی با شـــهادت این فرزندان ارجمندش از یک دعوتگر با تقوی و یک سپاهی جان‌فدا و بافضیلت محروم گشت و دولت اســـلامی یک بازوی قدرتمند و مقاوم خود را از دســـت دادوفریاد رســـای او از آنتن‌های ملی و بین‌المللی خاموش شـــد و جایـــش تا هنوز به‌عنوان یک ســـخنگوی توانا و پرجاذبهٔ دولت اسلامی خالی‌است.

---

۱. عبدالرحیم غفورزی فرزند عبدالغفور خان؛ درسال ۱۳۲۷هـ ش، در شهر کابل زاده شد. تعلیمات ابتدایی و ثانوی را در لیسهٔ حبیبیه کامل کرد و بعداً شامل دانشگاه کابـــل گردید و در رشـــتهٔ ژورنالیزم به تحصیل پرداخت، بعـــد از فراغت به وزارت خارجه رفت و در بخش‌های مختلف ایفای وظیفه کرد. غفورزی در سخنرانی‌های مهم و در ســـطوح بالا مانند کنفرانس غیرمتعهدها، به دفـــاع از جِهاد برحق ملّت افغانســـتان پرداخت و دسایس و توطیه‌های دشـــمن در سطح جهانی و منطقه‌ای را افشا کرد و سپس درتمام مدت پیروزی مجاهدین و بعد از آن نیز تا دم مرگ در کِنار مجاهدین و در خدمت جِهاد قرار داشت. وی درسال ۱۳۷۱هـ ش، به سمت نمایندهٔ دایمی افغانستان در سازمان ملل تعیین گردید و در سال ۱۳۷۴هـ ش، به‌حیث معین وزارت خارجه تقرر حاصل کرد؛ و بعدا به‌صفت وزیر خارجهٔ دولت اسلامی ایفای وظیفه کرد، درسال ۱۳۷۶هـ ش، در اجلاس پنجشیر به مقام نخست‌وزیری دولت اســـلامی تعیین شد و سرانجام در ۳۰ اسد سال ۱۳۷۶هـ ش، قرار بود جهت انجام مذاکراتی با آقای کریم خلیلی به بامیان بروند که حین نشستن هواپیمای حامل‌شان بر فرودگاه بامیان به زمین خورد و متلاشـــی شـــد و جز دوتن از همراهان‌شان، همه به شهادت رســـیدند.نگاه: هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۳، دورششم، سال سوّم، شمارهٔ بیستم، چهارشنبه، ۴ ســـنبلهٔ ۱۳۸۳هـ ش و هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۶، دور ششم، سال اوّل، شمارهٔ ۴۱، چهارشنبه ۵ سنبلهٔ ۱۳۸۲هـ ش. «مرکز تدوین»

۲. شهید عبدالعلی دانشـــیار فرزند محمّدیتیم، در سال ۱۳۳٤ هـ ش، در روستای بیدکلان ولســـوالی یفتل پایان ولایت بدخشان دیده به جهان گشود و در سی‌ام اسد ۱۳۷٦ هـ ش، همراه با تعدادی از همراهانش در اثر سانحهٔ هوایی در ولایت بامیان به شهادت رسید. دانشـــیار معاون تشکیلات جمعیّت اسلامی و از شخصیت‌های علمی و فرهنگی این جریان بزرگ بود. از این شخصیت علمی، آثار زیادی بر جای مانده‌است که می‌توان از: مبادی علم سیاست (لکچرنوت درسی)، جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، جهاد در بدخشان به روایت تصویر و.. نام برد. «مرکز تدوین»

روحش شاد و یادش گرامی باد.[۱]

۱. این پیام از کتاب «یادنامهٔ شهید عبدالعزیز مراد» سخنگوی دولت ا.ا.افغانستان که به اهتمام محترم فرامرز نشر شده، نقل گردیده‌است. «مرکز تدوین»

۸۷

پیام تسلیت رهبر جمعیّت اسلامی افغانستان

عنوانی رئیس‌جمهوری کشور برادر ایران

۱۰ سرطان ۱۳۶۹هـ ش

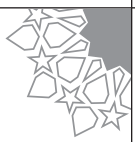

برادر محتـــرم جناب حجةالإســـلام علی‌اکبر رفســـنجانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران!

السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ؛ وبعد:

حادثهٔ دردنـــاک زلزلهٔ اخیـــر در مناطق شـــمال جمهوری اســـلامی که منجر به مرگ و زخمی‌شدن ده‌ها هزار تن از برادران و خواهران ملّت قهرمان جمهوری اســـلامی گردید، مایهٔ تأثرات عمیق من و همه برادران مجاهد و مهاجر افغانی شما گردید.

ما درحالی‌که از شـــنیدن این خبر جان‌سوز سخت حزین و رنجوریم، یقین داریم که ملت باشـــهامت ایران و رهبران عالم و آگاه آن همیشـــه در برابر حوادث ناگوار شـــکیبا و صابر بوده و به قضای پروردگار راضی و تسلیم‌اند.

خداوند شـــهدا را در جـــوار رحمت خویش جـــا دهد و به معلولین و آســـیب‌دیدگان صبر و اســـتقامت عطا فرماید و ملّت برادر ما ایران اسلامی را از گزند روزگار در پناه رعایت خود حفظ کند.[1]

---

۱. مجاهد؛ شمارهٔ ۱۲٤، یک‌شنبه ۱۰ سرطان ۱۳٦۹هـ ش. «مرکز تدوین»

بخش سوّم

پیام‌های متفرقه

۸۸

پیام رهبر جمعیّت اسلامی افغانستان

به مناسبت دهمین سالروز تجاوز ارتش سرخ در افغانستان

۱۸ جدی ۱۳٦۸هـ ش

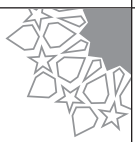

فاجعۀ خونین شش جدی یا سرآغاز زوال کمونیزم

فاجعۀ خونین شـــش جدی[1] و پیامدهای عبرت‌آموز آن در ابعاد مختلف شگفت‌انگیزترین حادثه تاریخ است؛

آری، در طـــول تاریـــخ، جهان‌خواران و آدمکشـــانی چون فرعـــون، چنگیز و هیتلر[2] گذشـــته‌اند که مرتکـــب دردناک‌ترین جنایات شـــده‌اند؛ امّا آنچه روس‌ها در افغانستان انجام داده‌اند،

---

۱. شش جدی ۱۳۵۸هـ ش؛ سیاه‌ترین روز در تاریخ معاصر افغانستان است که در این روز ارتش شـــوروی سابق از زمین و هوا به افغانســـتان هجوم آورد و ملّت مسلمان ما را به خاک و خون کشـــاند و خساراتِ فراوانِ جانی و مالی را در کشور ما برجای گذاشت. حدود یک‌ونیم میلیون شـــهید و دونیم میلیون معیوب و معلول و میلیون‌ها انسان دیگر آواره و مهاجر شـــدند و زیربناهای اقتصادی و تعلیمی، در اثر این تهاجم ســـیاه از بین رفت. نگاه: جنگ افغانســـتان و شوروی عامل فروپاشـــی جهانی کمونیسم، دانشیار و کرونولوژی حوادث تاریخیِ افغانستان دوکتور جمیل کامگار. «مرکز تدوین»

۲.آدولف هیتلر: رهبر حزب ملی سوسیالیســـت کارگران آلمان (حزب نازی) بود. وی در ۲۰ اپریل ۱۸۸۹ م، به دنیا آمد. هیتلر به‌عنوان یک کهنه‌سرباز نشان‌دار جنگ جهانی اوّل، درسال ۱۹۲۰ م، به حزب نازی پیوست و در سال ۱۹۲۱ م، به ریاست آن رسید. او درســـال ۱۹۲۳ م، به‌خاطر شرکت در کودتای نافرجام معروف به «کودتای آبجوفروشی مونیخ» به تحمّل پنج‌ســـال زندان محکوم شـــد و در همین زمان کتـــاب «نبرد من» را نوشـــت. او پس از آزادی از زندان با ترویج اندیشـــه‌های ملی‌گرایی، ضد کمونیســـتی، یهودستیزی و ایراد ســـخنرانی‌ها برضد پیمان ورسای، حامیان بسیاری در کشور آلمان به‌دســـت آورد و در ســـال ۱۹۳۳ م، به مقام صدر اعظمی رسید. سرانجام در ۲۹ اپریل ۱۹۴۵ م، در روزهای پایانی نبرد برلین با «اوا براون» که برای سال‌های طولانی معشوقۀ او بـــود، ازدواج کرد و در ۳۰ اپریـــل ۱۹٤٥م؛ یعنی یک روز پس از ازدواجش به همراه همســـرش خودکشـــی کرد. نگاه: نبرد من، اثر معروف هیتلر و تاریخ روابط بین‌الملل (۱۸۷۰ – ۱۹٤٥م)، ص: ۵۱۹. «مرکز تدوین»

غم‌انگیزترین تراژیدی تاریـــخ، نه‌تنها در عصر ما؛ بلکه در همه قرون است؛

بلی، اگر فرعون شکم زنان بنی اسراییل را درید تا پسربچه‌های آنان را نابود کند، روس‌ها در دوران هجوم وحشیانه‌شـــان اجساد کودکان، زنان، جوانان و پیرمردان را دریده، پاره‌پاره می‌کردند.

ایـــن صحنه‌های خونین به‌قـــدری تکان‌دهنده بـــود که یاد آن تراژیدی‌های جان‌ســـوز حتی برای عدّه‌ای از افســـران قشون جنایتگـــر و مهاجم، قابل‌تحمل نبوده و به‌رســـم اعتراض بر این جنایات فورم و نشان عسکری خود را به زمین زده بر خود و کشور و رژیم جنایتگرشان نفرین و لعنت می‌گویند.

بلی، اگر چنگیز، بلخ و بامیـــان را ویران کرد، روس‌ها همه قریه‌ها و شـــهرهای ما را خراب و ویران کردند و اگر هیتلر عدّه‌ای از یهودان را در کوره‌های آدم‌سوزی نابود کرد، روس‌ها در هر قریه و شهر افغانستان ده سالِ مسلسل، جشن آدمکشی و صحنه‌های آدم‌سوزی را برپا کردند.

در طـــول تاریخ عادتـــاً نتیجهٔ جنگ به ســـود ابرقدرت‌های نیرومند تمام شده و کشورهای کوچک در برابر هجوم قدرتمندان تاراجگر مرزهـــای جغرافیایی و هویت تاریخـــی و ملی خود را ازدســـت‌داده و پامال و نابود می‌گردند؛ اما در افغانســـتان قضیه شـــکل دیگری می‌گیرد؛ ابرقدرت جهان‌خـــوار روس با ذلت و زبونی به شکســـت و رسوایی روبه‌رو شـــده، سرآغاز عصر زوال کمونیزم شـــروع شد و مرزبندی‌های اقمار روسی یکی بعد دیگر فروریخته و کار در همین‌جا ختم نشده؛ بلکه این پدیده راه خود را به‌سوی زوال کمونیزم در داخل روسیه باز می‌کند.

دیگر طلسم کمونیزم نه‌تنها در اروپای شرقی درهم شکسته؛ بلکـــه در اعمـــاق جهنم کمونیزم آتش‌فشـــانی پدیدار شـــده که

درودیوار کمونیزم را نه‌تنهـــا در برلین فرومی‌ریزد؛ بلکه کمونیزم اکنون در همه‌جا در آستانه باربندی به‌سوی زباله‌دان تاریخ است.

امّا در جانب مقابل نه‌تنها کشور محروم و ناتوان ما مرزهای جغرافیـــای خود را حفظ کـــرد؛ بلکه برای بقا و تـــداوم آزادی و اســـتقلال و تمامیـــت ارضی و هویت ملـــی و تاریخی‌اش حتی دشـــمنی را که کمر به نابودی آن بســـته بود، بـــه اعتراف مجبور می‌سازد.

مگر این شگفت‌انگیزترین پدیده تاریخ نیست که روس‌های کمونیســـت و ملحد که با اسلام دشمن آشـــتی‌ناپذیر بودند، در سطح جهانی طی آخرین قرارداد در ملل متحد به حفظ استقلال و هویت اسلامی افغانستان تأکید می‌کنند!

تاریخ شـــاهد اســـت به دنبـــال نبردهای خونیـــن جهانی ابرقدرت‌ها گردهمایی داشـــته و به توزیع غنایم جنگی و تقسیم کشورهای زیر نفوذ خود می‌پردازند، چنانکه بعد از جنگ عمومی دوّم[1] در یالتا چنین اجتماعی صورت گرفت و ابرقدرت‌ها جهان را به مناطق نفوذ خویش تقســـیم کردند؛ اما بعد از فاجعهٔ خونین شش جدی و رســـتاخیز ده‌ساله ملّت قهرمان افغانستان، نشست ابرقدرت‌ها، آب و رنگ دیگری دارد. دیگر پیمانهٔ اســـتعمارگران

---

۱. جنگ جهانی اوّل: بهانهٔ شروع جنگ جهانی اوّل قتل «فرانسوا فردیناند» ولی‌عهد اتریش در ۲۸ جون ۱۹۱۴م، در «سارایه‌وو» ایالت بوسنی بود. مردم این ایالت مایل بودند که به صربستان ملحق شوند؛ ولی دولت اتریش از این کار جلوگیری می‌کرد. مقامات اتریش دولت صربســـتان را مسئول این قتل دانستند و چون اتریش مطمین بود که آلمان از آن دولت طرفداری خواهد کرد. اعلان جنگ اتریش به صربســـتان باعث شـــد که اعضـــای اتفاق مثلث (انگلیس، فرانســـه و روســـیه) و اتحاد مثلث (آلمان، اتریش و ایتالیا) به یکدیگر اعلان جنگ دهند و در نتیجه، حملات متفقین در ســـال ۱۹۱۸م به رهبری «مارشال فوش» فرانسوی صورت گرفت و آلمان ناچار ترک مخاصمه را خواهان شـــد و هنگامی‌که در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸م، شرایط متفقین را پذیرفت، جنگ جهانی اوّل به پایان رســـید. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۳۳ - ۲۳۵ و تاریخ روابط بین‌الملل (۱۸۷۰ - ۱۹۴۵م)، ص: ۱۸۹. «مرکز تدوین»

در هم شکسته است که به‌وسیله آن جهان را میان یکدیگر تقسیم کنند.

افسانه توزیع غنایم دیگر وجود ندارد. اکنون برای جلوگیری از فروپاشـــیدنی‌های یکدیگر باهم می‌نشـــینند و نقشـــه و پلان می‌ریزند؛

آری، ابرقدرت‌ها بعدازاین به‌جای تقســـیم جهان، چاره‌ای ندارند جز اینکه ســـر بر ســـر هم نهاده و بر ویرانه‌های رژیم‌های پوسیده سیاسی و فکری خویش گریه سر دهند و ناله کنند.

در طول تاریـــخ ملت‌هایـــی بوده‌اند که به خاطـــر دفاع از آزادی و اســـتقلال خویـــش رزمیده‌اند؛ اما آنچه در افغانســـتان گذشت نسخهٔ شـــفابخش دیگری بود که در میان آزادی‌خواهان غیرمسلمان نمی‌توان از آن سراغ کرد.

جهادگران مؤمن افغانســـتان الگـــوی مقاومت حق در برابر باطل و حماســـهٔ جاویدان در تاریخ جنبش‌های آزادی‌خواهی و آزادگان جهان است.

این رســـتاخیز عظیم به‌مثابهٔ آتش‌فشان جهانی‌ای بود که هر جا اسیری بود، به خود آمد؛

این قیام روان تازه‌ای در روح آزادگان بخشـــید و آن‌چنان‌که اســـیران دربند کمونیزم را بیدار ساخت و زنجیرهای گران را از پا و دســـت آنان درهم شکست، ملت‌های دربند را در جهان اسلام به حرکت درآورد.

این آغاز بهار است، هنوز گل‌های زیادی با این نسیم بهاری شگوفان خواهد شـــد و از صاعقهٔ ســـتم‌برانداز آن بر کاخ جمع دیگری از ستم‌گران لرزه مرگ تولید خواهد شد.

به‌راستی جهاد ملّت مســـلمان ما که با فاجعهٔ خونین ششم جدی همه‌گیر و فیصله‌کن شـــد، اکنون باب نوی را به روی همه

آزادگان گشوده اســـت و از ثمرهای پربار آن‌هم یکی این خواهد بود که راه را به‌ســـوی وحدت ملّت‌های مسلمان در منطقه هموار ســـاخته و حواجز و موانـــع مختلف فرهنگی را بـــا هجرت پنج میلیون افغان به دو کشـــور مجاور و ســـایر کشورهای اسلامی از بین برده و به هم آمیختـــن فرزندان توحید در عرصه‌های جهاد و نصرت زمینهٔ جوشـــش و یکپارچگی ملّت‌های مسلمان را کاملاً آماده ساخته است.[۱]

برهان‌الدین ربّانی

۱. هفته‌نامهٔ مجاهد؛ سال دوازدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۱، دوشنبه ۱۸ جدی ۱۳۶۸هـ ش. «مرکز تدوین»

۸۹

پیام رهبر جمعیّت اسلامی افغانستان

به مناسبت پیروزی نهضت اسلامی الجزایر در انتخابات بلدیاتی آن کشور.

۱۰ سرطان ۱۳۶۹ هـ ش

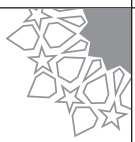

برادر مجاهد شیخ عباس مدنی[1] حفظه الله تعالی!

پیروزی جبههٔ نجات اسلامی را در انتخابات بلدیاتی[2] اخیر در کشـــور شـــما، به آن برادر مجاهد و آگاه و دانشمند و به عموم ملّت مسلمان و قهرمان الجزایر مبارکباد می‌گویم.

پیـــروزی شـــما در ایـــن انتخابـــات، بیانگر ایـــن حقیقت انکارناپذیراســـت که ملّت‌های مسلمان جز اســـلام، راه و رسم دیگری را نمی‌پذیرند.

---

۱. شـــیخ عباس مدنی در ســـال ۱۹۳۱ م، در «ســـیدی اوکیا» واقع در جنوب‌شرقی الجزایر به دنیا آمد. او دارای دکتورای علوم تربیتی و اســـتاد دانشـــگاه الجزایر بود. عباس مدنی به دلیل شـــرکت در تظاهراتی که در ســـال ۱۹۸۲ در دانشگاه الجزایر بر پا شـــد، توســـط نیروهای امنیتی دســـتگیر و به دوســـال زندان محکوم شد و به دنبال اصلاحات سیاسی ســـال ۱۹۸۸ حزب «جبههٔ نجات اســـلامی» الجزایر را بنیانگذاری کرد. این حزب اســـلامگرا در اولین انتخابات آزاد الجزایر که در ســـال ۱۹۹۱ برگزار شـــد، به پیروزی دســـت یافت و توانست دو برابر حزب حاکم (جبهه آزادیبخش) آرای مردمی را به خود جلب کند. این پیروزی ســـبب شد که برخی از اعضای هیئت دولت که از حمایت ســـران ارتش برخوردار بودند، از رئیس جمهور الجزایر بخواهند، نتایج انتخابات را باطل اعلام کند و خود نیز از ســـمتش استعفا دهد. آنان خود «شـــورای عالی کشـــور» را تشـــکیل دادند و اداره امور الجزایر را به دســـت گرفتند. این شوری نتایج انتخابات را ملغی و حزب جبهه نجات اسلامی را منحل اعلام کرد. پس از آن، عباس مدنی دستگیر و به ۱۲ سال زندان محکوم شد. او پس از اتمام دوره محکومیتش در اقامت اجباری به ســـر می برد. خلاصه پس از رهایی از زندان استاد عباس مدنی، به دوحه رفت و تا واپسین لحظات زندگی، یعنی تا ۲۴ اپریل ۲۰۱۹ که چشم از جهان فروبست، در آنجا باقی ماند. نگاه: خبرگزاری تسنیم، تاریخ خبر: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸. «مرکز تدوین»

۲. بلدیاتی: شهرداری. «مرکز تدوین»

پیروزی شـــما بازتاب این واقعیت است که نسل معاصر و نسل جوان در کشورهای اسلامی، فرهنگ‌های پوسیده و الحادی شـــرق و غرب را برای همیشه مردود شـــمرده و با آگاهی و بینش عمیق، اســـلام عزیز را یگانه راه‌حل همه مشـــکلات بشـــریت سرگشته و گمراه می‌دانند.

پیروزی شـــما نشـــان داد که حیله و نیرنگ دشمنان اسلام و تلاش‌های مزورانه‌ای که برای اسلام‌زدایی و به انحراف کشاندن مسلمانان سال‌هاســـت که ادامه داشـــته به شکست مفتضحانه روبه‌رو شده و به این دسایس در برابر نهضت و قیام نجات‌بخش اسلام یارای مقاومت را ندارد.

پیروزی حزب شـــما در انتخابـــات، انعکاس‌دهندهٔ مجد و عظمت و جلال ملّت قهرمان الجزایر[1] بود که یک‌بار دیگر ثابت کرد که هیچ نیرویی قادر نیست، شعلهٔ فروزان اسلام را در ضمیر این ملت خاموش سازد.

مجاهـــدان سنگرنشـــین و ملـــت برادرتان در افغانســـتان، درحالی‌که این پیروزی بزرگ را بر شـــما و ملت قهرمان الجزایر تبریک و تهنیت می‌گوید، بر همه دشـــمنان اسلام که در پیروزی مـــردم الجزایر با ذلت و زبونی آژیر خطر نواختند و هر جا اعلان آماده‌باش علیه اسلام کردند، نفرین عمیق خود را نثار کرده اعلام می‌کنند: ﴿..قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ..﴾[2]

۱. الجزایر: کشوری‌اســـت که در شـــمال قـــارهٔ افریقا موقعیت دارد. مســـاحت آن ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتـــر مربع و جمعیّـــت آن در ســـال ۲۰۱۰ م، ۳۵۸۶۶۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. دین رسمی آن اسلام، زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن الجزیره و واحد پول آن دینار الجزایر است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸. «مرکز تدوین»

۲. کامل آیت مبارکه این اســـت: ﴿هَـــا أَنْتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُـــمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّـــهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُـــمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ آل عمران/۱۱۹.

(هان شـــما کســـانی اید که آنان را دوســـت دارید و [حال آنکه] آنان شما را دوست

و به شـــما بار دیگر خاطرنشان می‌کنیم که «سیروا علی برکة الله ﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾[1] ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾[2]

برادرتان

برهان‌الدین ربّانی[3]

ندارند و شـــما به همـــه کتاب‌ها[ی خدا] ایمان دارید و چون با شـــما برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون [با هم] خلوت کنند از شـــدت خشـــم بر شما سر انگشتان خود را می گزند، بگو: به خشم خود بمیرید که خداوند به راز درون سینه‌ها داناست) «مرکز تدوین»

۱. کامل آیت این است: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾ محمد / ۳۵. «مرکز تدوین»

(پس سســـتی مورزید و [کافران را] به آشتی [ذلت‌بار] مخوانید [که] شما برترید و خدا با شماست و از [ارزش] کارهای‌تان هرگز نخواهد کاست.) «مرکز تدوین»

۲. نحل/۱۲۸. (در حقیقت خدا با کســـانی است که پروا داشـــته‌اند و [با] کسانی [است] که آنان نیکوکارند.) «مرکز تدوین»

۳ مجاهد؛ شمارهٔ ۱۲۴، یک‌شنبه ۱۰ سرطان ۱۳۶۹هـ ش. «مرکز تدوین»

۹۰
به مناسبت قیام ملّت مسلمان کشمیر
۲۳ دلو ۱۳۶۱ هـ ش

بار دیگر جهان شاهد بیداری و قیام ملّت‌های اسیر و دربنداست، شـــراره‌های فروزان ایـــن قیام‌ها با الهـــام از تصامیم آزادی‌بخش اســـلام که می‌فرمایـــد: ﴿مَتَى اسْـــتَعبَدْتُمُ النَّاسَ وَقَـــد وَلَدَتْهُم أُمَّهَاتُهُمْ أحْرَاراً﴾[1] در میان ملّت‌های مســـلمان ســـر کشـــیده و گسترش می‌یابد.

این موج بنیان‌برانداز در کشور خون و شهادت در افغانستان طلسم قشـــون سرخ را درهم شکست و سرانجام تاروپود فرسودهٔ کمونیزم را در جهان از هم پاشانید.

این سیلاب خروشان در سرزمین ایران، ریشه‌های استعمار غرب و پایه‌های اســـتبداد فســـاد نظام پهلوی را نابـــود کرد و با گذشـــت هرروز دامنهٔ این نهضت جهانی گســـترده‌تر می‌شود و زنجیرهای کمونیزم در کشورهای اروپای شرقی، یکی بعد دیگر درهم می‌شکنند و ملّت‌های آن دیار که سال‌های درازی در رنج و عذاب قرار داشتند، آخرین میخ را بر تابوت کمونیزم کوبیده و آن را به زباله‌دان تاریخ دفن می‌کنند؛

مسلمانان محکوم آذربایجان، برای نجات از تسلط ناروای روسی قیام می‌کنند؛ امّا با هجوم وحشت‌بار و سرکوبگرانهٔ قشون

۱؛ یعنی «از چه زمانی مردم را بردهٔ خویش، ســـاخته‌اید، در حالی که مادران‌شـــان آنان را آزاد به جهان آورده‌اســـت.» این ســـخن عمر فاروق است. نگاه: فتوح مصر و أخبارهـــا، از ابـــن عبدالحکم، ص: ۲۹۰ و حیاة الصحابة، از محمد بن یوســـف الکاندهلوی، ۲ / ۸۸ و منتخب کنز العمال، ۴ / ۴۲۰. «مرکز تدوین»

سرخ روبه‌رو می‌شوند.

در زادگاه شـــاعر شوریدهٔ شـــرق علامه اقبال، ملّت محکوم کشمیر بار دیگر به‌پا خواسته‌اند؛ تا زنجیر غلامی را درهم شکنند.

شاعر شوریده علامه اقبال، در آن عهدی که هنوز سایه‌های سیاه و شوم استعمار بر نیم قارهٔ هند مسلط بود، دریکی از روزهای بهاری که خطهٔ جنت‌نظیر کشـــمیر، غرق گل و لاله بود با اشعار زیبا و دلکش، ضمن بیان ســـحرآفرینی و پس از توصیف مناظر زیبا و سحرآفرین کشمیر، از غفلت مسلمانان کشمیر شکوی سر داده و چنین سروده بود:

خوشا روزگاری خوشا نوبهاری
نجوم پرن رست از مرغزاری
زمین از بهاران چو بال تذروی
ز فوارهٔ الماس بارد آبشاری
به تن جان، به جان آرزو زنده گردد
ز آوای ساری ز بانگ هزاری
توگویی که یزدان بهشت برین را
نهاده است در دامن کهساری
که تا رحمتش آدمی‌زادگان را
رها سازد از محنت انتظاری[1]

امّا برای ملّت‌های محکوم که در سرزمین خود آزاد نیستند و قدرت‌های طاغوتی بر سرنوشت آنان حاکم است، اینان از جمال و زیبایی خلقت محروم‌اند، بهار و خزان برای‌شـــان یکی‌است؛ از مواهـــب آفرینش و نعمت‌های آن جز محرومیت و حســـرت حاصل دیگری برنمی‌دارند.

اینجاست که شاعر انقلابی، این اسیران محروم را که به قیام

---

۱. شمارهٔ ۱۸۸، ساقی نامه. «مرکز تدوین»

و عصیان دست نمی‌زنند مورد عتاب قرار داده و اهل دیار خویش را در کشمیر چنین خطاب می‌کند:

کشیری که با بندگی خو گرفته
بتی می‌تراشد از سنگ مزاری
ضمیرش تهی از خیال بلندی
خودی ناشناسی زخود شرمساری
بریشم قبا خواجه از محنت او
نصیب تنش جامهٔ تارتاری
از آن می‌فشان قطره‌ای بر کشیری
که خاکسترش آفریند شراری[1]

امّـــا تو ای اقبال دیگر امروز در آرامگاهت آرام بخواب، اهل کشمیر سر از خواب غفلت برداشته‌اند، در سرزمین زیبا و خطهٔ جنت‌نظیر، شور انقلاب بلند و شیپور آزادی آهنگ تندی سر داده است.

آری، ای اقبال! در کوهساران کشـــمیر و در میان وادی‌های مردخیز آن شـــور و خشـــم انقلاب همه‌جـــا را فراگرفته، اکنون مرغزارهای کشـــمیر به‌جای فرش لاله‌های بهاری، در این موسم ســـرما و برف‌باری با شگوفه‌های ســـرخی از خون گلگون‌قبایان انقلابی‌ات رنگین اســـت. اکنون می‌ســـزد به زبان شعری که در حق شاعر هم‌وطنت غنی کشمیری ســـروده‌ای به قیام هم‌وطنان شورشـــگر و انقلابی جوانان امروزی‌ات فخر و مباهات کنی که گفته‌ای:

اصلشان از خاک دامن‌گیر ماست
مطلع این اختران کشمیر ماست

---

۱. نگاه: ساقی‌نامه، در نشاط باغ کشمیر. «مرکز تدوین»

خاک ما را بی‌شرر دانی اگر
بر درون خود یکی بگشا نظر
این‌همه سوزی که داری از کجاست؟
این دم باد بهاری از کجاست؟
این همان باد است کز تأثیر او
کوهسار ما بگیرد رنگ و بو[1]

آری، اکنون رنگ و بوی دیگری بر کهساران کشمیر حاکم است؛ ملّت محکوم کشمیر دیگر نمی‌خواهد در زنجیر محکومیت به‌سر برد و این حق طبیعی آنان است.

هندوستان می‌خواهد این قیام شورانگیز را به‌زور تانگ و سرنیزه خاموش سازد؛ امّا شعله‌های فروزان آزادی را نمی‌توان با سرنیزه‌های استبداد خاموش ساخت؛

زور و فشار، توفان خشم ملّت‌ها را تند و بی‌باک‌تر می‌سازد. سرکوبی قیام‌هایی که بر مبنای عقیده و ایمان و بر اساس داعیه حق فطری و طبیعی انسان‌ها استوار باشد، امری است ناممکن.

چنین قیام‌هایی به‌مثابهٔ سیلاب‌های خروشان، موانع را از گذرگاه خود دور ساخته و راه خویش را به‌سوی پیروزی باز می‌کند.

حکومت هند که مدعی دموکراسی در سرزمین خود است باید پیش از آنکه دامنه این قیام گسترده‌تر گردد، به حق مشروع مردم کشمیر اعتراف کرده و به فیصله‌های ملل متحد در باب استصواب رأی در کشمیر تن دردهد و دست از کشتار بی‌رحمانهٔ مردم مظلوم کشمیر بردارد.

ما از این قیام برحق مردم کشمیر در راه تعیین حق خودارادیت و تعیین سرنوشت‌شان توسط خود آنان قاطعانه حمایت کرده

---

۱. نگاه: جاویدنامه، در حضور شاه همدان. «مرکز تدوین»

و از کشـــورهای آزادی‌خـــواه و صلح‌دوســـت و به‌خصـــوص از کشـــورهای مســـلمان می‌خواهیم ملّت قهرمان کشمیر را در این قیام تاریخی‌شان تنها نگذارند.

به امید آزادی مردم محکوم کشـــمیر و تأمین امنیت و صلح در منطقه و جهان.[1]

---

۱. مجاهد؛ شمارهٔ مسلسل ۱۱۲، دوشنبه ۲۳ دلو ۱۳۶۱هـ ش. «مرکز تدوین»

۹۱

به مناسبت تدویر پنجمین کنگرهٔ تاجیکان جهان

در جمهوری تاجیکستان

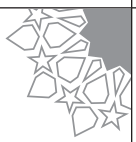

جلالت‌مآب محتـــرم امام علی رحمـــان‌اوف رئیس‌جمهور تاجیکستان!

این‌جانب افتخار دارم که بار دیگر - تمنیات و شادباش‌های عمیق قلبی خویش را، به مناسبت تدویر پنجمین کنگرهٔ تاجیکان جهان، حضور جناب شـــما و از طریق شـــما به تمام ملّت بیدار تاجیک تقدیم می‌دارم.

شکل‌گیری سیر دل‌انگیز همدگرفهمی و تأمین وحدت ملی، ختم جنگ و تعقیب راه عمران و آبادی کشـــور عزیز تاجیکستان[1] که به‌وسیلهٔ جلالت‌مآب شـــما و مجموع رهبری تاجیکستان در چند سال اخیر و من‌جمله تدویر پنجمین کنگرهٔ تاجیکان جهان، همه و همه گـــواه آن‌اند که ملّـــت آگاه و مهمان‌نواز تاجیک، در مدّت کوتاه، به پیروزی‌های درخشانی دست‌یافته است.

فاکت‌ها و شواهد، گواه آن‌اند که ملّت تاجیک با بازگشت به خویشتن تاریخی و فرهنگی خود، امکانات و کمبودهای زندگی امروز خویش را به‌درستی ارزیابی کند و با اتکا و توجه به گذشتهٔ پرافتخار و زندگی امروزین، آیندهٔ درخشـــان تاریخی خویش را رقم خواهد زد.

---

۱. تاجیکستان: کشوری‌است که در آســـیای‌میانه موقیعت دارد. مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در سال۲۰۱۰م، حدود ۷۰۷۵۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رســـمی آن تاجیکی، واحد پول آن «سامانی» و پایتخت آن شهر «دوشنبه» است. دین بیش از ۹۰ درصد مردم آن کشـــور اسلام اســـت. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

ما بر آنیم کــه ملّت تاجیک، به رهبری شــما، ظرفیت‌های عظیمــی از خویشتن‌شناســی تاریخــی و درک و دریافت منافع و مصالح ملی را به نمایش گذاشــته اســت و بدین گونه سیمای درخشان و جاذبه برانگیزی را از خویش، در جامعهٔ جهانی ارایه خواهد کرد.

ملّت افغان که در اثر دســایس و توطیه‌های ناپاک دشمنان خارجی، معنای سیاســت زمین سوخته و نسل‌کشی و بیدادگری را بــه گونهٔ فاجعه‌بــاری، تجربه می‌کند، از موضع‌گیری ســالم و واقع‌بینانه دولت دوســت و برادر تاجیکســتان در رابطه به حل مسالمت‌آمیز قضیهٔ افغانستان، ابراز امتنان می‌کند.

دولت اسلامی افغانســتان و ملّت غیور و رنجدیدهٔ افغان، از پروسهٔ تأمین صلح سراســری، تأمین وحدت ملی و عِمران و شگوفایی مادّی و معنوی کشور شما، همواره حمایت و پشتیبانی کرده و پیروزی‌های نخســتین ملّت هم‌زبان و هم‌فرهنگ خویش را در این راستا از صمیم قلب تبریک و تهنیت می‌گویند.

ان‌شــاءالله، ملّت تاجیک از ادای رسالت بزرگ تاریخی‌ای که بر دوش گرفته اســت، پیروز و ســرافراز بــه درخواهد آمد و به‌عنوان یک ملّت نیرومند و سربلند و آگاه و متمدن در پهنهٔ گیتی سربلند خواهد کرد.

در پایان می‌خواهم، یک‌بار دیگر برای شــما و از طریق شما برای ملّت رسالت‌مند و آگاه تاجیک، جشن‌های اخیر و پنجمین کنگرهٔ تاجیکان جهان را تبریک گفته و پیروزی‌های درخشــان و سعادت دارین را برای‌تان آرزو برم.

والسلام علی من اتبع الهدی[1]

---

۱. کامل آیت خجســته این اســت: ﴿فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُــولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾ طه/۴۷. (پس به سوی او بروید و بگویید ما دو فرستاده پروردگار توایم پس فرزندان اسرائیل را با ما بفرست و عذابشان مکن به راستی ما برای تو از جانب پروردگارت معجزه ای آورده ایم و بر هر کس که از هدایت پیروی کند درود باد) «مرکز تدوین»

۹۲
به ارتباط جریدهٔ همبستگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جریدهٔ «همبســـتگی» بر مبنای آرمانِ ایجاد زمینهٔ مشارکت ملی در امر دفاع از حریم و استقلال و آزادی و وحدت ملی در کشور یک سال قبل در پهلوی سایر جراید مستقل انتشار یافت.

جمعی از فرهنگیـــان آواره از ســـرزمین عزیزمان که هوای پرواز به افق‌های دور را نداشتند در جمهوری همسایه تاجکستان به حیث انجمن دبیران در رأس‌شـــان دکتـــور مهدی[1] کمر همت بستند و به کار آغاز کردند؛

اگرچـــه در طریق نگارندگی تازه‌وارد و نو ســـفر نبودند؛ امّا راه دراز و منـــزل طولانی در پیش و هدف‌های متعالی و نگاه‌های تیزبین و عیب‌پسند در انتظارشان نشسته بود.

برخی از مقوله‌ها و مقالات‌شـــان غوغابرانگیز و فشارآفرین بود؛ امّا به‌هرحال جریده از میان سروصداها و بگیرونمان‌ها جان به‌سلامت برد و یک‌ساله شد.

اینکه چه بخشـــی از پیامش را به خوانندگان گوش به آوازش

---

۱. دکتـــور محی الدین مهدی: مؤرخ و نویســـنده، عضو شـــورای رهبری جمعیّت اسلامی افغانستان و نمایندهٔ پیشـــین مردم بغلان در مجلس نمایندگان بود. «مرکز تدوین»

موفقانه رساند و تا چه حد طرف قبول و پذیرش آنان قرار گرفت، به قضاوت و نظارت خوانندگان و ارزیابی دست‌اندرکاران جریده ارتباط دارد.

به عقیدهٔ من باوجود کم‌وکاستی‌ها که طبیعت لاینفک در هر کار نوآغاز است، مقالات، تحلیل‌ها و نشریات جریده در ابعاد مختلفی مثبت و ثمربخش بوده است و در سالی که در پیش دارد شاهد پختگی هرچه بیشتر و رفع [مشکلات و نابسامانی‌های‌شان باشیم.][1]

در اوضاع فاجعه‌بار کنونی که سرزمین عزیز ما افغانستان، آماج تهاجم سپاه جهل و وحشت قرار گرفته و مزدوران طالب‌نما به فرمان باداران آزمندشان به ویرانی و نابودی تاریخ و فرهنگ و افتخارات دینی و ملی ما می‌زنند، جراید روشنگر در پهلوی سنگرهای فخرآفرین پاسداران دین و ناموس و میهن، از جایگاه و ارزشمندی خاصی بهره‌منداست.

در چنین اوضاعی که یکی از ابعاد شوم این جنگ تحمیلی و فاجعه‌بار، پخش و اشاعهٔ جهل و فراگیرشدن فساد و تاریکی در فضای فرهنگی کشور عزیزمان است؛ وظیفهٔ نامه‌نگاری و نویسندگان، ذوق و تفُنّن و یا اِشباع هوس‌ها و خواسته‌های زودگذر فردی و دسته‌جمعی نیست؛ بلکه این عمل یک رسالت مهم تاریخی و مسئولیت بزرگ در برابر آفریدگار، تاریخ و نسل‌های امروز و فردای افغانستان است.

با درک این مسئولیت قلم‌به‌دستان ما به اهمیت کار خویش و آنچه می‌نویسند توجه بیشتر خواهند داشت.

موفقیت‌های مزید را به همه اهل‌قلم و نویسندگان هدفمند

---

۱. اینجای نوشته در کاپی دست‌داشتهٔ ما مفقود بود؛ لذا از سر ناگزیری آن بخش را به تقریب املا کردیم؛ ولی برای رعایت امانت آن را در لای دو قلاب گذاشتیم. «مرکز تدوین»

کشـــورمان و به‌خصوص به هیئت تحریر جریدهٔ همبســـتگی از خداوند منان -که به حرف ترشـــحات قلم و قلم‌به‌دستان، به ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾[1] سوگند یاد کرده است - تمنا دارم.

---

۱. قلم/ ۱. (نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.) «مرکز تدوین»

۹۳
به مجاهدین ولایت هرات
۱۳۸۸ هـ ش

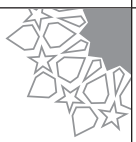

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران عزیز اعضای وفادار و راستین جمعیّت اسلامی در هرات باستان!

السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

صمیمانه‌ترین تمنیات قلبی و سلام‌های گرم خویش را به شما عزیزان تقدیم و به روان پاک هم‌رزمان شهیدتان که در سنگرهای پرافتخار جهاد جان‌های شیرین خود را قربانی کرده‌اند، درود فراوان می‌فرستیم!

سلام بر شما رهروان صدیق و راستین راه عزت و آزادی که دیروز در رستاخیز بزرگ ملّت سرافراز افغانستان با جرأت و شهامت کم‌نظیر حماسه‌ها آفریدید و در دوران هجرت و آوارگی رنج‌های فراوان را تحمل کردید و در آبادی سرزمین عزیزتان و وحدت و همبستگی ملّت زجردیده و مقاوم‌تان از بذل هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نمی‌ورزید و به مصداق آیهٔ مبارکهٔ:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾[1]

---

۱. احزاب/۲۳. (درمیان مؤمنان مردانی هستند که در پیمانی که با الله بسته‌اند، راست بوده‌اند، برخی پیمان خود را به‌سر برده‌اند و شربت شهادت سر کشیده‌اند و برخی -نیز- در انتظارند، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی را به عهد و پیمان خود راه نداده‌اند.) «مرکز تدوین»

در عهد و پیمان ثابت و استوار باقیمانده‌اید.

آری دگرگونی‌های حیات، گواه این حقیقت است که مبارزان صدیق و راستین با تغییر اوضاع‌واحوال رنگ باخته، مشعل راه جهاد و مبارزه را فروزان نگاه می‌دارند و فقط مدعیان دروغین مبارزه‌اند که دچار تردد و بی‌وفایی شده، راه و رسم خود را عوض می‌کنند.

بلی کف‌ها و تفاله‌ها نابود می‌گردند؛ اما عناصر مفید که به درد جامعه می‌خورند پایدار و ثابت باقی می‌مانند.

طی تحولات جدید در کشور و فرازوفرود آن، واقعیت‌های جدیدی بروز نموده‌است، جمعی به بیراهه رفتند و قول و قرارها را از یاد بردند؛ اما فرزندان نهضت اسلامی -چون شما عزیزان- به راه خود ادامه داده‌اند.

برادران عزیز!

مبارزات پرافتخار جهاد مسلح، اکنون جای خود را به مبارزات مسئولانه و فرهنگی و سیاسی خالی کرده‌است، منبر مکان سنگر را گرفته و قلم عهده‌دار مسلسل و خمپاره شده است.

جداً متوجه باشید مسئولیت امروز بسی مشکل‌تر از کار دیروز است. به‌حق فرموده پیامبر Y که

﴿رجعنا من الجهاد الأصغر الی الجهاد الأکبر﴾[1]

اکنون در سنگر جهاد اکبر قرار دارید و درنتیجهٔ تهاجم فرهنگی با چالش‌های سختی مواجه شده‌اید و نباید لحظه‌ای غفلت و سهل‌انگاری نمود.

---

۱. هرچند این حدیث را شماری از راویان همانند امام بیهقی در «الزهد الکبیر ۳۸۴» و امام دیلمی با این لفظ روایت کرده است؛ اما محدثان -همانند شیخ البانی در السلسلة الضعیفة و ملا علی قاری هروی- سند آن را «منکر و ضعیف» دانسته‌اند؛ ولی نباید فراموش کرد که مبارزه با نفس، از تعالیم ثابت و مسلم قرآنی و نبوی است. «مرکز تدوین»

درحالی‌که کشـــور در بستر حوادث خونین درحرکت است، با طلوع خورشید، روزی نیست که جمعی از هم‌میهنان عزیز ما در اثر فروریختن بم و خمپاره‌ای و یا در اثر انفجارِ انتحارکننده‌ای غرق در خون نشـــوند و دامنهٔ این فاجعه گســـترده‌تر می‌شود؛ امّا مسئولان نظام در ســـودای خود غرق و کم‌تر به فکر چاره‌اند و یا اینکه چاره‌سازان در علاج کار خود بی‌چاره‌اند.

هم‌زمان با این فاجعه‌های خونین توطیه‌های شـــوم و ننگینی در کمین نشسته است.

دیروز بـــا هیولای هولناک مارکســـیزم در نبـــرد بودید که با تهاجم ســـنگین نظامی ارادهٔ اشـــغال ســـرزمین و نابودی دین و فرهنگ شما را داشت، امروز هم دشمنان دین، اخلاق و فرهنگ آرام ننشســـته‌اند، سلاح‌شان سنگین نیســـت، نرم‌افزار است؛ اما خیلی هولناک و وحشت‌آور. پیغمبر اکرم Y فرموده‌است:

﴿إنّ الشيطانَ يَجري مِن الإنسان مَجريَ الدّم﴾[1]

بلی تهاجم شـــیاطین نشســـتهٔ فرهنگـــی خیلی‌ها خطرناک اســـت. این‌ها با نرمی؛ امّا با ســـرعت درحرکت‌اند و لحظه‌ای چون دوران خون از حرکت بازنمی‌ایستند، هرلحظه فتنهٔ جدیدی ایجاد می‌کنند، در برابر این فتنه‌ها باید بیدار بود و از هوشیاری و فراست مؤمنان بهره گرفت که پیغمبر Y فرموده‌است:

﴿اتقوا فِراسة المؤمن فإنه يَنظرُ بنورِ الله﴾[2]

۱.این حدیث را امامان بخاری در الأدب المفرد (۱۲۸۸) و مســـلم در صحیح خود (۲۱۷۴) این گونه روایت کرده‌است: ﴿إنّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدّمِ﴾ یعنی شیطان چنان خون در بدن فرزند آدم روان است. «مرکز تدوین»

۲. (از هوشـــیاری و فراست مؤمن بترسید که او با نور خدا می‌بیند.) هرچند حدیث فوق به لحاظ ســـند، از ســـوی محدثان، تضعیف شده است؛ اما معنای آن، از یک سو با احادیث درست، همانند این حدیث: ﴿إن لله عباداً يعرفون الناس بالتوسم﴾ السلســـلة الصحيحـــة (۱۶۹۳) یعنی خدا، بندگانی دارد که مردم را با فراســـتی که دارند می‌شناســـند؛ و از ســـوی دیگر، این حدیث با روح دین و تعالیم اســـلامی و واقعیت‌های زندگی هماهنگی تمام دارد. «مرکز تدوین»

برادران عزیز!

هرات سرزمین فرهنگیان مبارز و مبارزان بافرهنگ است؛ هرات دژ مستحکم نهضت اسلامی شما و سنگر پولادین افتخارآفرینان رستاخیز جهاد علیه اتحاد شوروی متوفاست. اینک دست‌های زیادی به‌سوی آن دراز گردیده‌است تا هویت تاریخی و فرهنگی آن را عوض کند؛ اما با موجودیت فرزندان شاهین‌صفت این سرزمین تیر بدخواهان به خاک ذلت فرو خواهد رفت؛

بااین‌همه خطر جدی‌است، اجازه مدهید که بر بلندای قلهٔ عقابان هرات، بوم‌های وارداتی آشیانه سازند.

و به‌مثابهٔ رودهای خروشان کشورتان تند و مواج حرکت کنید و خس و خارها را به دور افگنید.

از همه اول‌تر به نسل جوان که امانت الهی نزد شمایند توجه کنید! اجازه مدهید که این گهرهای گرامی، شکار صیادان مکار سکولار گردند؛ آنان که صفحهٔ پاک و مصفایی‌اند، مگذارید با داغ‌های سیاه و اندیشه‌های چرکین و گمراه‌کن و فرهنگ آلودهٔ دین‌ستیزان معاصر مغزهای مصفا و وجدان‌های پاک آنان ملوث گردد.

به گذشتهٔ نهضت بزرگ و رهایی‌بخش خود مباهات کرده و پیوند عمیق آن را در اعماق قلب و وجدان خود حفظ کنید! شما و هم‌رزمان‌تان بودید که عزت و آزادی، استقلال و سرافرازی را در مبارزهٔ بزرگ و تاریخی افغانستان نصیب ملت خود کردید.

سقوط امپراتوری وحشتناک مارکسیزم و پیروزی بر تهاجم و توطیهٔ ننگین دستگاه‌های شوم استخبارات بین‌المللی در دوران مقاومت از دستاورد بزرگ نهضت عظیم اسلامی شماست.

با برنامهٔ جدید و راهکار تازه و مطابق به نیازهای زمان،

سیر تکاملی نهضت خویش را ادامه دهید و پیام زندگی‌ساز و مردم‌پسند آن را به همه‌جا در شهرها و قریه‌ها در میان نسل نو در مدارس و حوزه‌ها، مکاتب و دانشگاه‌ها، مراکز علمی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی و در میان عامهٔ مردم پخش کنید و شعله‌های فروزان دعوت را که به خون یاران شهیدتان روشن شده اجازه مدهید که خاموش گردد؛

در همه‌جا هسته و حلقه و شوراهای حزبی را فعال سازید، تشکیلات گذشته را با عضویت فعال نسل جوان هرچه بیشتر غنامند و فعال سازید؛

خانواده‌های شهدا و معلولین جهاد را فراموش مکنید، به دیدار دلیرمردان مجاهد و فرماندهان وارسته‌ای بروید که به علت تقوی و طهارت‌شان جز به فداکاری به چیزی نمی‌اندیشیدند و اینک در حال عسرت و محرومیت زندگی می‌کنند، دیدار و ملاقات آنان به روح و روان اطمینان و آرامش می‌بخشد، آنان باارزش‌ترین یادگارهای زندهٔ دوران تابناک جهاد و مبارزه‌اند، اینان أسوه و الگوی نسل جوان‌اند؛

مانند همیشه در تصفیهٔ روح و روان و تزکیه و اصلاحِ اَعمال خویش توجه کنید؛

در انجام کار خیر از یکدیگر سبق جویید؛ خدمت به خلق‌الله و احسان به دیگران را به‌عنوان عبادت و بهترین فضیلت اخلاقی پیشهٔ خود سازید؛ شعار جاویدانی صدیق اکبر را که فرموده بودند: ﴿أَيَنْقُصُ الدِّينُ وأنا حيٌّ﴾ را بر صفحهٔ ضمیر خویش نقش بندید!

مگر می‌توان پذیرفت که مؤمنان پذیرفت که مؤمنانی چون شما زنده باشند و در دین نقص و نقصانی پیش آید؟

مطمین باشید که خداوند یار و یاور دعوتگران نیکوکار و

ناصر مؤمنان پرهیزگار است.

﴿إِنَّ اللّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ﴾[۱]

پیروزی حتمی و نهایی در قلمرو متقیان است. ﴿..وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾[۲]

خداوند یار و مددگار همهٔ شما باد.[۳]

برادر شما

برهان‌الدین ربّانی

---

۱. گذشت.

۲. کامل آیت این است: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ قصص / ۸۳.

(آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است.) «مرکز تدوین»

۳. این نامه در سال ۱۳۸۸هـ ش، عنوانی مجاهدین جمعیّت اسلامی ولایت هرات نگاشته شده‌است و در سال ۱۳۹۰ به مناسبت شهادت رهبر شهید، در فصل‌نامهٔ نردبان ارگان نشراتی ریاست کار و امور اجتماعی ولایت تخار به نشر رسیده‌است. «مرکز تدوین»

نمایه

آيات:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ ٥١, ٦٧
﴿إِنّ اللّهَ مَعَ الّذِينَ اتّقَوا وّالّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ﴾ ١٢٨
﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ ١٠١
﴿إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ﴾ ٧٣
﴿إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ﴾ ٦٤
﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَأَرْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ ٦٤
﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ ٦٦
﴿قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ﴾ ١٠٠
﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ ١٢٣
﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ ١١٩
﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ ٦٥
﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ ١٢٨
﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾ ١٠١
﴿وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم﴾ ٦٣
﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ ٣٠
﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ ٦٤

احاديث:

﴿اتقوا فِراسة المؤمن فإنه يَنظرُ بنورِ الله﴾ ١٢٥
﴿إنّ الشيطانَ يَجري مِن الإنسان مَجريَ الدّم﴾ ١٢٥
﴿رجعنا من الجهاد الأصغر الى الجهاد الأكبر﴾ ١٢٤
﴿من آذى ذمياً فقد آذانى﴾ ٣٠
﴿من آذى ذمياً فقد آذنته بالحرب﴾ ٣٠

سخنان بزرگان:

﴿العرب مادة الإسلام﴾ ٣٣

﴿إن الله أعزكم بالإسلام فمهما ابتغيتم العزة فى غيره اذلكم الله﴾ ٣٤

﴿قصم ظهر الإسلام عروة عروة من نشأ فى الإسلام و لم يعرف الجاهلية﴾ ٣٣

﴿مَتَى اسْتَعبَدْتُمُ النَّاسَ وَقَد وَلَدَتْهُم أُمَّهَاتُهُمْ أحْرَاراً﴾ ١٠٥

اشعار:

اصلشان از خاک دامن‌گیر ماست
مطلع این اختران کشمیر ماست
خاک ما را بی‌شرر دانی اگر
بر درون خود یکی بگشا نظر
این‌همه سوزی که داری از کجاست؟
این دم باد بهاری از کجاست؟
این همان باد است کز تأثیر او
کوهسار ما بگیرد رنگ و بو ۱۰۷

***

خوشا روزگاری خوشا نوبهاری
نجوم پرن رست از مرغزاری
زمین از بهاران چو بال تذروی
ز فوارهٔ الماس بارد آبشاری
به تن جان، به جان آرزو زنده گردد
ز آوای ساری ز بانگ هزاری
توگویی که یزدان بهشت برین را
نهاده است در دامن کهساری
که تا رحمتش آدمی‌زادگان را
رها سازد از محنت انتظاری ۱۰۶

سرزمینی کبک او شاهین مزاج
آهوی او گیرد از شیران خراج
آسیا یک پیکر آب و گل است
ملّت افغان در آن پیکر دل است
از گشاد او گشاد آسیا
از فساد او فساد آسیا ۳۸

***

کشیری که با بندگی خو گرفته
بتی می‌تراشد از سنگ مزاری
ضمیرش تهی از خیال بلندی
خودی ناشناسی زخود شرمساری
بریشم قبا خواجه از محنت او
نصیب تنش جامهٔ تارتاری
از آن می‌فشان قطره‌ای بر کشیری
که خاکسترش آفریند شراری ۱۰۷

اسما و اشخاص:

ابراهیم ٦٣, ٦٤, ٦٥, ٦٦, ٦٧
اسماعیل ٦٣, ٦٤, ٦٧
اقبال ٣٨, ١٠٦, ١٠٧
امام علی رحمان‌اوف ١١٣
ببرک ٢١, ٤٥
برهان‌الدین ربّانی ٧٥, ١٠١, ١٢٨
چنگیز ٩١, ٩٢
دانشیار ٣٥, ٨١, ٩١
سجادی ٨١
صدرالدین آغاخان ٤٧
صدیق اکبر ١٢٧
عباس مدنی ٩٩
عزیز مراد ٧٩
علی‌اکبر رفسنجانی ٨٥
عمر ~ ٣٣
غفورزی ٨١
فرعون ٩١, ٩٢
گورباچف ٢٧, ٢٨
محمّد ظاهر خطیبی ٧٣
محمود ٣١, ٣٨
نجیب ٢١, ٤٥, ٤٦, ٤٧
هیتلر ٤٥, ٩١, ٩٢
والدهایم ٤٤

اماکن:

آذربایجان ۲۶, ۲۷, ۲۸, ۳۳, ۱۰۵
اروپا ۲۷, ۲۸, ۳۲, ۵۰
اروپایی شرقی ۲۵
اسرائیل ۳۲, ۳۴, ۳۵
آسیا ۲۶, ۳۲, ۳۸, ۳۹
افغانستان ۲۱, ۲۳, ۲۴, ۲۵, ۲۶, ۳۴, ۳۵, ۴۱, ۴۲, ۴۳, ۴۵, ۴۶, ۴۹, ۵۱, ۵۲,
۶۶, ۶۷, ۷۳, ۷۹, ۸۰, ۸۱, ۸۲, ۸۳, ۸۹, ۹۱, ۹۲, ۹۳, ۹۴, ۹۷, ۱۰۰, ۱۰۵,
۱۱۴, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۳, ۱۲۶
امریکا ۲۹, ۴۴
ایران ۳۵, ۳۹, ۴۴, ۸۳, ۸۵, ۱۰۵
بالتیک ۲۷, ۲۸, ۲۹
بامیان ۷۹, ۸۰, ۸۱, ۹۲
بدر ۱۹
برلین ۹۱, ۹۳
بلخ ۹۲
بیت‌المقدس ۳۷
پاکستان ۳۹, ۴۰, ۴۱
پروستریکا ۲۷
تاجیکستان ۲۶, ۲۷, ۱۱۱, ۱۱۳, ۱۱۴
الجزایر ۹۷, ۹۹, ۱۰۰
حیفا ۳۵
دیر یاسین ۳۵
روسیه ۲۵, ۲۶, ۲۷, ۲۸, ۲۹, ۳۵, ۴۲, ۴۴, ۵۱, ۹۲, ۹۳
شرق میانه ۳۶
عربستان ۳۹

فلسطین ۳۱, ۳۲, ۳٤, ۳٥, ۳٦, ۳۷
قصر سفید ۲۹
کابل ۲۳, ٥۰, ٥۲, ۷۹, ۸۱
کرملین ۲۱, ٤۱, ٥۱, ٥۷
کشمیر ۹, ۳۷, ۳۸, ۳۹, ٤۰, ٤۱, ۱۰۳, ۱۰٦, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۰۹
لیتوانی ۲۷, ۲۸, ۲۹
مسکو ۲۷, ۲۸, ۷۹
مکه ۱۹, ۲۰
هرات ۱۰, ۲۳, ۲٤, ۱۲۱, ۱۲۳, ۱۲٦, ۱۲۸
هندوستان۳۸، ۳۹, ٤۰، ۱۰٦، ۱۰۸
یافا ۳٥
یالتا ۹۳

گروه‌ها، احزاب و قبایل:

انگلیس‌ها ۳۹
بنی اسراییل ۹۲
بینوایان ۲۰
پیرمردان ۹۲
جمعیّت اسلامی ۴۲، ۴۹، ۸۱، ۸۳، ۸۹، ۹۷، ۱۲۳
جوانان ۳۴، ۵۸، ۶۶، ۸۰، ۹۲، ۱۰۷
خلق و پرچم ۲۱، ۲۲، ۴۲، ۴۵
دولت اسلامی ۵۱، ۶۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۱۴
روس‌ها ۲۳، ۲۵، ۲۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۹۱، ۹۲
زنان ۲۷، ۴۷، ۹۲
زنان آذری ۲۷
سوسیالیزم ۲۹، ۳۲
سیکولاریزم ۳۲
عرب‌ها ۳۲، ۳۳، ۳۴
علماء ۴۳
فرهنگیان ۱۱۷، ۱۲۶
فلسطینیان ۳۲
قوماندان‌ها ۴۳، ۵۱
کافران ۶۷
کمونیزم ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۵، ۵۸، ۸۰، ۸۱، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۵
کمونیست‌ها ۲۵، ۴۳
مارکسیزم ۱۲۵، ۱۲۶
مسلمانان ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۶۳، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶
مسیحی ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱
معلولین ۸۵، ۱۲۷

ملّت کشمیر ۳۸
ملل متحد ۲۸, ۳۹, ۴۱, ۴۴, ۴۸, ۴۹, ۵۰, ۵۱, ۹۳, ۱۰۸
مهاجران ۱۹
نهضت اسلامی ۹, ۷۳, ۷۹, ۸۱, ۹۷, ۱۲۴, ۱۲۶
هندوئیزم ۳۸
یهودی ۳۰, ۳۱، ۳۵، ۳۶, ۳۷، ۹۲

مفاهیم و اصطلاحات:

احتجاج ۲۹
اخلاص ۷۳,۶۳
اخلاق ۱۲۵,۷۳
اخوت اسلامی ۳۵
آزادی ۲۶, ۲۷, ۳۲, ۳۴, ۳۹, ۴۱, ۵۲, ۵۳, ۹۱, ۹۳, ۹۴, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۰۹,
۱۱۷, ۱۲۳, ۱۲۶
استبداد ۳۵, ۳۷, ۳۸, ۱۰۵, ۱۰۸
استراتژیک ۲۲
استصواب ۱۰۸
استعمار ۵۳, ۱۰۵, ۱۰۶
استقامت ۲۰, ۲۴, ۵۲, ۶۳, ۸۵
استقلال ۲۸, ۳۹, ۴۰, ۴۱, ۹۳, ۹۴, ۱۱۷, ۱۲۶
اعتراض ۹۲
اقتصاد ۲۵, ۲۷, ۴۰, ۵۱
امنیت ۳۱, ۳۵, ۳۶, ۴۲, ۴۳, ۴۴, ۴۶, ۴۷, ۴۸, ۵۲, ۱۰۹
انتخابات ۴۲, ۴۳, ۴۶, ۹۷, ۹۹, ۱۰۰
انحراف ۲۲, ۳۲, ۴۸, ۵۸, ۱۰۰
انقلاب ۲۰, ۲۲, ۲۴, ۴۲, ۴۴, ۵۲, ۵۸, ۵۹, ۶۶, ۶۷, ۱۰۷
اولوالعزم ۶۷
ائتلاف ۲۲
ایثار ۶۳
ایدئولوژی ۲۵, ۲۶, ۴۰
باطل ۲۲, ۴۰, ۶۶, ۹۴, ۹۹
بشریت ۱۹, ۳۶, ۶۵, ۱۰۰

پرتگاه ۳۲، ۵۱
تبعیض ۳۰
تحمل ۲۰، ۸۰، ۱۲۳
تزکیه ۱۲۷
تقوی ۲۰، ۲۴، ۴۸، ۶۳، ۷۳، ۷۴، ۸۱، ۱۲۷
جامعهٔ اسلامی ۲۱
جاهلیت ۳۳
جمعیّت اسلامی ۴۹، ۵۲، ۷۳، ۱۱۷، ۱۲۸
جنگ ۲۸، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۸۱، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۱۳، ۱۱۸
جهاد ۲۶، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۵۱، ۶۵، ۶۶، ۷۳، ۷۹، ۸۱، ۹۴، ۹۵، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷
جهان اسلام ۲۵، ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۹۴
جهان سوم ۳۹
جهان غرب ۲۶، ۳۰
حدوث ۲۱، ۲۸
دموکراسی ۱۰۸
ذمّی ۳۱
رستاخیز ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۸۰، ۸۱، ۹۳، ۹۴، ۱۲۳، ۱۲۶
رمضان ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۵۳
روزه ۲۰
زوال ۹۱، ۹۲
سراب ۵۹
شیپور ۲۰، ۱۰۷
صبر ۲۰، ۵۲، ۶۳، ۸۵
صلح ۲۰، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۰، ۴۷، ۴۸، ۱۰۹، ۱۱۴
صیام ۲۲، ۲۴
طلسم ۲۳، ۲۴، ۹۲، ۱۰۵
طهارت ۲۰، ۲۴، ۴۸، ۷۳، ۷۴
عدالت ۴۳، ۴۴، ۴۵
عصیان ۱۰۶
علمانیت ۳۲
غصب ۲۱
قیاس ۳۵
کثیف ۲۱
کمونیست ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۹۳
مارکسیست ۲۲

مذهب ۳۰
مظلوم ۲۲, ۲۷, ۳۹, ٤٥, ٤٨, ٤٩, ٥٧, ۱۰۸
منحط ٤۲
نشنلیزم ۳۲
هجرت ۱۹, ۳۳, ۳۷, ٤۷, ٥۱, ٦٤, ٦٥, ۸۰, ۹٥, ۱۲۳
وحدت ۲۱, ٤۰, ٥۳, ٦٥, ۷۹, ۹٥, ۱۱۳, ۱۱٤, ۱۱۷, ۱۲۳

رویکردها

**** قرآن‌کریم؛**

الف) منابع عربی:

۱- ابن باز، عبدالعزیز بن عبدالله (۱٤۲۳). **التبرج وخطر مشـــاركة المرأة للرجل في ميدان عمله**، الطبعة: الأولى، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية؛

۲- ابن تيميه، شيخ الإسلام تقى الدين احمد (۱٤۲٦). **مجموع الفتاوى**، ج: ۱۰ و ۱۵، دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزيع؛

۳- ابن هشام، عبدالملک (۱٤۱۰). **السيرة النبوية**، ۲، الناشر: دار الكتاب العربى، الطبعة الثالثة، بيروت - لبنان؛

٤- ألبانى، محمّد ناصرالدين (۱٤۱۲). **السلســـلة الأحاديث الضعيفة**، الناشـــر: مكتبة المعارف؛

٥- ألبانى، محمّد ناصرالدين (۱٤۱٥). **السلســـلة الأحاديث الصحيحة**، الناشر: مكتبة المعارف؛

٦- البخاري، محمّد بن إسماعيل (۱٤۰۷). **صحيح البخاري**، الطبعة الثالثة، دار ابن كثير: بيروت - لبنان؛

۷- البخاري، محمّد بن إسماعيل (۱۳۷٥). **الأدب المفرد**، المحقق: محمّد فؤاد عبد الباقي، الناشر: المطبعة السلفية ومكتبتها؛

۸- البيهقي، أحمد بن الحســين بن علي (۱٤۰۸). **الزهد الكبير**، المحقق: عامر أحمد حيدر، الطبعة الثالثة، الناشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت؛

۹- الترمذي، محمّد بن عيسى (بی‌تا). **الجامع الصحيح سنن الترمذى**، تحقيق: أحمد محمّد شاكر وآخرون، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت؛

۱۰- التل، عبدالله (بی‌تا). **خطراليهودية العالمية على الإســـلام والمســـيحية**، ناشر: دارالقلم؛

۱۱- السجستاني، أبوداود سليمان بن الأشعث (بی‌تا). **سنن أبى داود**، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت؛

۱۲- طهمـــاز، محمود (بی‌تـــا). **الفقه الحنفى فى ثوبه الجديـــد**، ج ۳، الطبع:

المکتبة الطارق؛
۱۳- عبدالحکـــم، عبدالرحمن بن عبداللـــه (١٤١٦). **فتوح مصر وأخبارها**، عدد الأجـــزاء: ۱، الطبعة الأولی، تحقیـــق: محمّد الحجیري، دار النشـــر، دار الفکر - بیروت؛
١٤- العقاد، عبّاس محمود (١٩٩٨). **عبقریَّة عُمر**، ادارةالنشر، ۲۱ ش أحمد عرابی - المهندسین - القاهرة، الناشر: دار النهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع؛
۱۵- النیســـابوري، مسلم بن حجاج (بی‌تا). **صحیح مســـلم**، الناشر: دار الجیل بیروت، دار الأفاق الجدیدة - بیروت؛
١٦- النیســـابوری، محمّد بن عبدالله أبوعبدالله الحاکم (١٤١١هـ ق - ١٩٩٠م). **المستدرك علی الصحیحین**، جـ۱، صـ۲۳۷، الطبعة الأولی، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت؛
۱۷- الهندي، علامه علاءالدین علی المتقی بن حسّام‌الدین (١٤٠٥). **کنز العمّال فی سنن الأقوال والأفعال**، ج: ٤، الطبعة الخامسة، مؤسسة الرسالة، بیروت.

ب) منابع فارسی:

۱- احمدیان، حاج ملاعبدالله (۱۳۸۸). **سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب** ~ ، نوبت چاپ: دوّم، ناشر: ادارهٔ دارالنشر افغانستان؛

۲- انصاری، سلطان‌محمّد (۱۳۹٤). **جغرافیای عمومی ولایات افغانستان**، نوبت چاپ: اوّل، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛

۳- آشوری، داریوش (۱۳۹۳). **دانشنامهٔ سیاسی**، چاپ: بیست‌وسوّم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛

٤- بختیاری، سعید (۱۳۹٤). **اطلس جامع گیتاشناسی ۹٤ - ۹۳**، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ: اوّل، چاپ: هامون، ناشر: مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل نشر: تهران، ایران؛

٥- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۳). **تاریخ روابط بین‌الملل** (۱۸۷۰ - ۱۹٤٥ م)، چاپ هفتم، چاپ: یاران (قُم) ناشر: تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی؛

٦- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۸٥). **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، نوبت چاپ: اوّل، چاپخانه: ماه منظر، محل چاپ: تهران، ایران؛

۷- حق‌شناس، شیراحمد نصری (۱۹۸٤ م). **دسایس و جنایات روس در افغانستان: از امیر دوست محمّد تا ببرک**، ناشر: کمیتهٔ فرهنگی دفتر مرکزی جمعیّت اسلامی افغانستان؛

۸- الخالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۳۸۲). **خلفای راشدین از خلافت تا شهادت**، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ، دوّم، چاپخانه: مهارت، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛

۹- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). **جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم**، نوبت چاپ: اوّل، چاپ: کُلینی، ناشر: مؤسسهٔ انتشارات بهینه، تهران، ایران؛

۱۰- دهخدا، علی اکبر (۱۳٤۲). **لغت‌نامه**، محل نشر: تهران، ایران؛

۱۱- ربّانی، شهید پروفیسور برهان‌الدین (۱۳۹٤). **یادی از دو شهید**، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛

۱۲- ربّانی، شهید پروفیسور برهان‌الدین (۱۳۹۸). **نظام سیاسی اسلام**، چاپ نخست، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، محل چاپ: کابل، افغانستان؛

۱۳- ریاض، محمّد (۱۳٥٤). **ادبیات فارسی در شبه قارهٔ هند و پاکستان**،

(مقاله)، ناشر: http://ensani.ir/file/download/article؛
۱٤- ســباعی، مصطفی (۱۳۹۰). **ستارگان هدایت**، مترجم: امیر صادق تبریزی، نوبت چاپ: دوّم، ناشر: انتشارات کُردستان؛
۱۵- ســباعی، مصطفی (۱۳۹۱). **ســیرت نبــوی**، درس‌ها و اندرزهــا، مترجم: فضل‌الرحمن فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
۱٦- شــارقی، محمّدکاظم (۱۳٦۰). **ارزش خون در کمونیزم و اسلام**، (مقاله)، میثاق خون، ص: ٤٤، شــمارهٔ ســیزدهم، ناشر: انجمن نویســندگان و سخنوران جمعیّت اسلامی افغانستان؛
۱۷- صراف‌یزدی، غلامرضا و صبری، محسن (۱۳۹۱). **سازمان‌های بین‌المللی و نظریه‌های روابط بین‌الملل**، چاپ نخســت، نشر: انتشــارات قومس، تهران، ایران؛
۱۸- طباره، عفیف عبدالفتاح (۱۳۸۸). **داستان پیامبران در قرآن**، مترجم: ابوبکر حسن زاده، ناشر: نشر احسان، ایران، تهران؛
۱۹- علــی بابایــی، غلامرضا (۱۳۸۷). **فرهنگ سیاســی آرش**، چاپ ســوّم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛
۲۰- فرهنگ، میر محمّدصدیق (۱۳۸۸). **افغانســتان در پنج قرن اخیر**، جلد اوّل و دوّم، به کوشــش محمّدابراهیم شریعتی، ناشر: انتشــارات عرفان، چاپ: بیستم، تهران، ایران؛
۲۱- کامگار، جمیل‌الرحمن (۱۳۸۲). **کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان**، نوبت چاپ: دوّم با اضافات، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
۲۲- کاندهلــوی، محمّدیوســف (۱٤۲۰). **حیــات صحابــه**، ج: ۲، مترجم: مجیب‌الرحمن رحیمی، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ نخست، بیروت - لبنان؛
۲۳- کِیران، روجر و کنی، توماس (۱۳۸۵). **خیانت به سوسیالیســم، پس پردهٔ فروپاشی اتحاد شــوروی**، ترجمه: محمّدعلی عمویی، چاپ: دوّم، نشر: اشاره، تهران، ایران؛
۲٤- لاهوری، محمّداقبال (۱۳٦٦). **کلیاتِ اشــعار اقبال لاهوری**، چاپ سوّم، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ، چاپخانهٔ علمی؛
۲۵- لاهــوری، محمّداقبال (۱۳۹۰). **گزیدهٔ شــعرهای اقبال لاهوری**، مقدّمه، انتخاب و شــرح لغات: شــهرام رجب‌زاده، چاپ: پنجم، چاپخانه قدیانی، ناشر: مؤسسهٔ انتشارات قدیانی، محل چاپ: تهران، ایران؛
۲٦- میتروخین، واسیلی (۱۳۹۰). **ک. جی. بی، در افغانستان**، ترجمه: احمدضیا رهگذر، نوبت چاپ: یکم، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
۲۷- هیتلر، آدولف (۱۳۹۰). **نبرد من**، مترجم: عنایت الله شــکیباپور، انتشارات: دنیای کتاب، بی‌جا؛
۲۸- **هفته‌نامهٔ مجاهد**؛ ارگان نشــراتی جمعیّت اسلامی افغانستان، سال دوازدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۱، دوشنبه ۱۸ جدی ۱۳٦۸هـ ش؛
۲۹- **هفته‌نامهٔ مجاهد**؛ ارگان نشــراتی جمعیّت اسلامی افغانستان، سال سیزدهم

نشراتی، شمارۀ ۱۲۲، پنج‌شنبه، ۱۷ جوزا ۱۳٦۹ هـ ش؛
۳۰- **هفته‌نامۀ مجاهد**؛ ارگان نشـــراتی جمعیّت اسلامی افغانستان، شمارۀ ۱۲٤، یک‌شنبه، ۱۰ سرطان ۱۳٦۹هـ ش؛
۳۱- **هفته‌نامۀ مجاهد**؛ ارگان نشراتی جمعیّت اسلامی افغانستان، شمارۀ مسلسل ۱۱۲، دوشنبه ۲۳ دلو ۱۳٦۱هـ ش؛
۳۲- **هفته‌نامۀ مجاهد**؛ ارگان نشـــراتی جمعیّت اســـلامی افغانستان، ص ۱، دور دوّم، شمارۀ چهارم، سال ۱۳٦٥هـ ش؛
۳۳- **هفته‌نامۀ مجاهد**؛ ارگان نشـــراتی جمعیّت اسلامی افغانستان، ص: ۳، دورِ ششم، سال سوّم، شمارۀ بیستم، چهارشنبه، ٤ سنبلۀ ۱۳۸۳ هـ ش؛
۳٤- **هفته‌نامۀ مجاهد**؛ ارگان نشـــراتی جمعیّت اسلامی افغانستان، ص: ٦، دور ششم، سال اوّل، شمارۀ ٤۱، چهارشنبه ٥ سنبلۀ ۱۳۸۲هـ ش؛
۳٥- **وبسایت خبرگزاری تسنیم**؛ تاریخ خبر: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸هـ ش، https:// www.tasnimnews.com/fa/news؛
۳٦- http://www.egc.lt/.